PROPERTY OF ACKU

هفته نامۀ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم – سال یازدهم – شمارۀ (۱۵) ۱۷سرطان ۱۳۹۱ – ۱۷ شعبان المعظم ۱۴۳۳ – 7 July 2012



عالمی که دور از سیاست و متدینی که دور از اجتماع بسر می برد. باید بفهمد که او دین خود را درست ندانسته است.

از فرموده های استاد شهید



فراخوان

به مناسبت نخستین سالگرد پرواز خونین و ملکوتی پروفیسور برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی، رئیس جمهور سابق کشور و رهبر فرزانۀ جهاد و مقاومت مردم افغانستان

سخنوران بزرگوار و گرامی!

ضمن عرض ادب و احترام، بدینوسیله به اطلاع رسانیده می شود که: در نظر است از اولین سالگرد عروج ملکوتی و پرواز عارفانه و خونین رئیس جمهور سابق کشور، رهبر فرزانه و محبوب جمعیت اسلامی ، رهبر جهاد و مقاومت مردم افغانستان از جانب جمعیت اسلامی و هواداران او درکابل و ولایات و همچنان درکشورهای مختلف جهان، طی همایش ها و محافل متعدد یادبود و گرامیداشت به عمل آید. یکی از برنامۀ مورد نظر به ارتباط تجلیل از شخصیت آن فرید روزگار و شهید راه صلح، برگزاری محفل شعر است. از کلیه شعرای عزیز با کمال احترام تقاضا به عمل می آید تا محبت فرموده، یک کاپی از مرثیه ای را که بدین مناسبت سروده اند و یا به تازگی انشاء خواهند فرمود، الی اخیر ماه اسد به آدرس زیر ارسال فرموده، ممنون سازند. همچنان منتظر ارسال نوشته های شما در مورد استاد شهید هستیم تا در شمارۀ ویژۀ «مجاهد» بدین مناسبت، به نشر برسانیم.

با عرض ادب و حرمت

کمیسیون برگزاری اولین سالگرد شهادت پروفیسور ربانی

کابل/ افغانستان

Mujahid1357@yahoo & hotmail.com   h.a.q.malikzad@gmail.co

صلاح الدین ربانی رئیس شورای عالی صلح:

جوانان نیروی فعال و پویای امروز، امید فردا و آینده سازان کشور اند



تاریخ گواه این حقیقت است که جوانان همیشه در پیشاپیش جریان ها و جنبش های اصلاحی و تحولات تاریخی در میان ملت ها قرار داشته اند.

*

بخشی از بدنۀ نیروی جنگی مخالفان را، افراد و جوانانی تشکیل می دهند که نارضایتی ها و عوامل دیگری مثل بیکاری، فقر و عدم آگاهی، آن ها را به صحنۀ نبرد کشانده است.

*

در صلح هیچگاه ما و شما بازنده نخواهیم بود، این جنگ است که همۀ فرصت ها را از ما و شما می گیرد و یک کشور ویران و توده هایی از آوار را به ما و شما به میراث خواهد گذاشت. ص۳

بازهم کنفرانسی در مورد افغانستان

قرار است فردا (۱۸ سنبلۀ سال روان) که برابر با ۸ جولای۲۰۱۲ میلادی می شود کنفرانسی در مورد افغانستان در شهر توکیوی جاپان برگزار گردد. مقامات کشور هدف از برگزاری این نشست را جلب کمک های جامعۀ جهانی برای افغانستان پس از سال ۲۰۱۴ عنوان نموده اند. به گفتۀ مقامات، افغانستان پس از سال ۲۰۱۴ میلادی وارد مرحلۀ جدید می‌گردد و نیاز است کمک های جامعۀ جهانی در عرصه های مختلف ادامه یابد.

وزیر مالیه گفته است که در کنفرانس توکیو حکومت افغانستان سند مشخص و روشنی را برای گرفتن کمک ها به جامعۀ جهانی در ده سال آینده پیشکش می کند. درین کنفرانس بیش از هفتاد کشور دنیا به شمول نمایندگان سازمان های بین اللملی شرکت می نمایند.

در عین حال گفته شده است که در ختم کنفرانس سندی زیر عنوان (چارچوب حسابدهی دوجانبه) توأم با اعلامیۀ کنفرانس امضاء و به نشر خواهد رسید. البته امضای این سند چیزی تازه ایست که تعهدات را الزام آور می سازد، موضوعی که در گذشته ها متأسفانه وجود نداشت.

بازگشایی دروازۀ افغانستان به روی ناتو



***وحید مژده**

سال ها قبل و اندکی پس از فروپاشی اتحاد شوروی که به آزادی کشورهای آسیای میانه منجر گردید، در پشاور چشمم به اعلانی افتاد که در مورد فروش دکان های یک مارکیت در کارخانو، محلی در نزدیکی حیات آباد پشاور بود. در این اعلان آمده بود که، این مارکیت در دروازۀ آسیای میانه قرار دارد و برای تجاری که در آن به خرید دکان مبادرت ورزند یک فرصت طلائی را برای رسیدن به مارکیت کشورهای آسیای میانه مساعد می سازد.

در آن زمان این مسئله برایم کمی عجیب جلوه کرد. از نزدیک ترین کشور آسیای میانه تا مارکینت کارخانو در پشاور، فاصله ای لااقل به اندازۀ یک کشور ناامن به نام افغانستان وجود دارد. چگونه پاکستان خود را دروازۀ آسیای میانه می نامد؟ اکنون که سال ها از آن زمان می گذرد، به نظر می رسد که این ادعای پاکستانی ها به دور از حقیقت نبوده است. پاکستان امروز برای جهان غرب چنین حیثیتی را دارد.

***

پس از ماه ها اختلاف، نشست و برخاست ها و مذاکرات متعدد میان مقامات اسلام آباد و واشنگتن، سرانجام پاکستان توافق نمود تا راه اکمالاتی ناتو را از مسیر خاک خویش به افغانستان بازگشائی نماید. این مسیر زمانی مسدود شد که در ماه نوامبر سال گذشته طیارات ناتو به یک پاسگاه سرحدی پاکستان نزدیک مرز افغانستان حمله بردند و بیست و چهار سرباز پاکستانی را کشتند.

پاکستان تقاضا داشت تا امریکا به خاطر این مسئله از اسلام آباد معذرت بخواهد اما امریکایی ها به این دلیل که طیارات ناتو از این پاسگاه مورد حمله قرار گرفته و در دفاع از خود سربازان پاکستانی را کشته اند. ص۲

جنبۀ تطبیقی پیمان راهبردی به تعهد طرفین و امنیت کشور بستگی دارد

ص۲

از سم نوشی سقراط تا سم پاشی طالبان!

ص۵



چالش ها و موانع در برابر رئیس جمهور مصر



ص۵

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل تایمنی سابقه سرک دوم خانه نمبر ۴۵
شمارهٔ تلفن: ۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵ / ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo& hotmail .com

سرمقاله

جنبهٔ تطبیقی پیمان راهبردی به تعهد طرفین و امنیت کشور بستگی دارد

روز چهار شنبه مؤرخ ۱۴ سرطان سال روان از جنبهٔ تطبیقی پیمان راهبردی میان افغانستان و امریکا خبر داده شد. به گفتهٔ مقامات در وزارت خارجه، سر از تاریخ متذکره طرفین متعهد و ملزم به عملی سازی مفاد این پیمان در بخش های متخلف می باشند. پیمان راهبردی میان رؤسای جمهور، جمهوری اسلامی افغانستان و ایالات متحدهٔ امریکا به تاریخ ۱۲ ثور سال روان به امضاء رسیده بود. رئیس جمهور امریکا آقای او باما در یک سفر از پیش اعلام ناشده با استفاده از تاریکی شب وارد کابل شد و این پیمان را با آقای حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان به امضاء رساندند.

این پیمان از سوی پارلمان کشور به تاریخ ۷ جوزای سال روان تأیید و تصویب شد. با تصویب این پیمان مخالفان و موافقان از خود واکنش ها نشان دادند. با امضای این پیمان برای بار نخست اکثریت مردم افغانستان احساس کردند که قدرت های دنیا آماده است، با افغانستان، کشوری که سال هاست مردم آن طعم تلخ جنگ را چشیده اند، شریک سیاسی و نظامی می شوند.

بدون شک پیمان راهبردی میان دولت های (افغانستان و امریکا) بستگی به این دارد که چگونه طرفین به تعهدات خود عمل می نمایند. از آن جایی که افغانستان در حال حاضر بیشتر نیاز به کمک های امریکا دارد، دولت و مردم امریکا باید به مفاد این پیمان عطف توجه نموده افغانستان را در عرصه های مختلف یاری رسانند.

هرچند متن این پیمان با ضعف ها و نارسایی هایی همراه است، اما روی هم رفته خوبی ها و برجستگی هایی نیز در این پیمان دیده می شود و در صورتی که امریکا متعهد و پایبند به آن باشند، امیدی برای توسعهٔ افغانستان در پناه این گونه تعهدات و همکاری های بین المللی محسوس است.

پیش از آن که آیندهٔ افغانستان به چه چیزهای گره خورده باشد، حال و آینده به امنیت و ثبات دائمی نیاز دارد. چیزی که بخش عمدهٔ این پیمان نیز به همین مسئله توجه نموده است. تأمین امنیت برای افغانستان از اولویت زیادی برخوردار است. دولت افغانستان با شرکای استراتیژیک اش باید در آوردن امنیت از راه های که در آن منافع علیای کشور نهفته باشد تلاش جدی نماید. یکی از این راه ها تلاش های صلحجویانه است که از دو سال به این طرف به طور جدی پیگری می شود. نخستین رئیس شورای عالی صلح استاد برهان الدین ربانی توسط یک تروریستی که خود را نمایندهٔ رهبری طالبان معرفی کرده بود، در حالی که او را به حضور پذیرفت در تاریخ ۲۹ سنبلهٔ سال۱۳۹۰در منزلش به شهادت رسید.

تلاش های صلح پس از شهادت استاد، با یک وقفهٔ کوتاه دوباره از سر گرفته شد و در این سمت پسر ارشد استاد شهید آقای صلاح الدین ربانی گماشته شد. صلاح الدین ربانی در حال حاضر در عربستان سعودی به سر می برد و برای گفتگوهای که منجر به مذاکرهٔ مستقیم با طالبان شود، با مقامات سعودی گفتگو می کند.

بازگشایی دروازهٔ افغانستان به روی ناتو

ادامه از صفحهٔ اول

از معذرت خواهی خودداری می نمودند. روز سه شنبهٔ هفتهٔ گذشته (۱۳ سرطان) خبر معذرت خواهی امریکا در رسانه های پاکستان با آب و تاب فراوان پخش گردید و پاکستان ضمن اعلام بازشدن راه ترانیزیتی، اعلام داشت که از مطالبهٔ تکس ترانزیت نیز صرف نظر نموده است. قبلاً پاکستان در برابر هر موتر باری، از ناتو تقاضای ۵۰۰۰ دالر تکس نموده بود.

به نظر می رسد که امریکا پذیرفته است تا کمک مالی به پاکستان را از سر بگیرد. به عبارهٔ دیگر آنچه را که پاکستان به عنوان تکس ترانزیتی تقاضا داشت، به شکل کمک مالی به پاکستان بپردازد. طبق گزارش رسانه های پاکستان، امریکا در قدم اول یک میلیارد و یکصد میلیون دالر به پاکستان خواهد پرداخت. با توجه به اینکه امریکا و متحدینش در افغانستان بعد از بسته شدن راه پاکستان، برعلاوهٔ مصارف اصلی، برای انتقالات خود از مسیر های دیگر ماهانه یکصد میلیون دالر بیشتر پرداخته اند، مسیر پاکستان ارزش آن را داشت تا امریکا تسلیم خواست های اسلام آباد گردد. خانم کلنتن در صحبت تلفنی با حنا ربانی کهر گفت که، ما به خاطر صدمهٔ وارده بر ارتش پاکستان و آن واقعهٔ اسفبار مراتب تأثرات عمیق خود را ابراز می داریم و معذرت می خواهیم.

این توافق به دنبال سفرهای جان آلن فرماندهٔ نیروهای ناتو در افغانستان به دست آمد. آلن در دو هفتهٔ گذشته، دو بار به پاکستان سفر کرد و با مقامات مهم نظامی پاکستان در این باره مذاکره نمود.

بسته شدن راه اکمالاتی ناتو از طریق پاکستان، دوستی دیرینهٔ امریکا و پاکستان را سخت زیر فشار قرار داد. امریکایی ها تلاش های زیادی را به راه انداختند تا پاکستان را از طریق فشار وادار به تسلیم شدن نمایند. امریکا روابط نزدیک تری با هند برقرار کرد و از حرکت جدائی طلبی در بلوچستان پاکستان به شکل آشکار به حمایت برخاست اما در مقابل پاکستانی ها به شدت مقاومت کردند. حکومت پاکستان برای اینکه خود را از این فشارها نجات داده باشد، تصمیم در مورد بازگشائی این مسیر ترانزیت را به پارلمان محول کرد و آن را به شدت سیاسی ساخت.

در پارلمان پاکستان، هر حزب سیاسی تلاش نمود تا با مخالفت با بازگشائی راه ترانزیتی، حمایت بیشتر مردمی را به دست آورد. دو هفته قبل بود که سید یوسف رضا گیلانی بر طبق فیصلهٔ ستره محکمهٔ پاکستان از صدارت برکنار شد و جانشین وی راجه پرویز اشرف تلاش نمود تا این مشکل را با امریکا حل نماید.

لازم به تذکر است که معذرت خواهی امریکا تنها شرط بازشدن این مسیر نبود بلکه، پاکستان می خواهد تا حملات طیارات بی سرنشین امریکایی نیز به خاک پاکستان متوقف گردد. طبق اظهار مقامات پاکستانی که در رسانه های این کشور نیز منعکس شده است، این حملات محدود تر خواهد شد و در مورد حملات، با مقامات پاکستانی مشورت صورت خواهد گرفت.

قبلاً طرفداران بازشدن راه تدارکاتی ناتو که حنا ربانی وزیر خارجه در راس آن قرار داشت می گفتند که، مسدود شدن این راه، پاکستان را در برابر تمام کشورهای عضو ناتو به خصوص کشورهای اروپائی قرار می دهد. بنابراین پاکستان نمی تواند دشمنی با تمام دنیا را بپذیرد. ما باید در این مورد تصمیم معقول بگیریم.

هشت ماه تلاش امریکا و ناتو برای یافتن راه بدیل به موفقیت نرسید. مسیر کشورهای آسیای میانه فوق العاده گران و زمانگیر بود و در عین زمان موجب می شد تا ناتو را وابسته به کشورهای هم پیمان روسیه سازد. با درک همین حقیقت، پاکستانی ها مطمئن بودند که امریکا سرانجام مجبور خواهد شد تا بار دیگر به آنها رو خواهد آورد. این محاسبه کاملاً درست بود زیرا انتقال ده ها هزار کانتینر از مسیر آسیای میانه بار سنگین اقتصادی را به دوش کشورهای عضو ناتو می گذاشت. به همین دلیل ناتو از روی ناچاری، طرح به امانت نهادن این وسایل را در بعضی از کشورهای آسیای میانه در ذهن داشت.

کشورهای عضو ناتو با بازشدن مسیر پاکستان، نفس راحتی کشیدند. اکنون باید تا سال ۲۰۱۴ وسایل نظامی هریک از کشورهای عضو ناتو از بندر کراچی به کشورهای شان فرستاده شود. با توجه به بحران اقتصادی در جهان به خصوص در اروپا، این مسیر ارزان مشکل بزرگی را از دوش این کشورها برخواهد داشت.

ما در هشت ماه گذشته شاهد فشارهای امریکا و جامعهٔ جهانی بر پاکستان و برعکس فشارهای پاکستان به امریکا و ناتو بودیم. بزرگترین دشمن امریکا یعنی اسامه بن لادن ظاهراً در پاکستان کشته شد و این مسئله به وضاحت نشان داد که پاکستان در دوستی با امریکا صداقت نداشته است. حمله بر سفارت امریکا در کابل که از جانب امریکا به شبکهٔ حقانی نسبت داده شد، تقاضای امریکا برای اقدامات جدی علیه شبکهٔ حقانی در پاکستان و سایر مسایل به اختلاف میان امریکا و پاکستان افزود اما اکنون به نظر می رسد که این کشمکش ظاهرا به پیروزی پاکستان انجامیده است. معذرت خواهی از پاکستان می تواند به معنی برائت پاکستان از همهٔ آن اتهامات باشد. اکنون سوال اینست که در چنین شرایطی، افغانستان باید منتظر چه عواقبی باشد؟

* یکی از تاثیرات این توافق بعد از معذرت خواهی امریکا این خواهد بود که، فشارها بر پاکستان کاهش می یابد. اقدامات پاکستان از جمله حملات راکت و توپخانه بر مناطق مرزی کشور ما ادامه خواهد یافت بدون اینکه عکس العملی را از جانب خارجی ها و نیروهای افغان به دنبال داشته باشد.

* در شرایطی که قرار است نیروهای خارجی تا سال ۲۰۱۴ افغانستان را ترک کنند و تا آن زمان به مسیر پاکستان برای خروج نیروها و جنگ افزار های ناتو سخت نیاز است، پس در یک مقطع زمانی بسیار مهم، دست پاکستان در افغانستان باز خواهد بود؛ زیرا ناتو نمی خواهد از این به بعد، مشکلی با پاکستان بروز نماید که بار دیگر این راه ترانزیتی مسدود گردد و در خروج نیروهای خارجی وقفه ایجاد شود. به خصوص که وقفه در هشت ماه گذشته، ناتو را در تنگنای زمانی برای بیرون بردن وسایل و جنگ افزارهایش قرار داده و این سازمان را هشت ماه از برنامهٔ کاری اش عقب انداخته است.

* هرچند این کار در ظاهر فقط بسته شدن یک مسیر در نتیجهٔ یک اختلاف بود اما می تواند تاثیرات مهمتر و فراتر از جغرافیای پاکستان و افغانستان از خود برجا بگذارد. پاکستان بار دیگر موقعیت استراتژیک خود را به عنوان یک کشور کلیدی برای دسترسی به افغانستان و آسیای میانه در نزد غرب تثبیت نمود و اکنون می تواند از رقابت میان چین و امریکا در این منطقه از جهان، بیشترین استفاده را ببرد.

* پاکستان برای ادامهٔ حضور امریکا در افغانستان، خواستار بیشترین امتیازات از این کشور خواهد شد. حضور طولانی مدت امریکا در افغانستان، به معنی استفادهٔ طولانی مدت پاکستان از امریکا خواهد بود و نقش پاکستان را در افغانستان تقویت خواهد کرد. زیرا امریکا با این معذرت خواهی در حقیقت اعتراف کرد که پاکستان دروازهٔ افغانستان است.

برای مقابله با این چالش ها، افغانستان فقط یک راه در جلو دارد و آن اینکه، باید افغانستان به صلح دست یابد و این صلح از راه تفاهم میان خود افغان ها به میان آید. اما برای رسیدن به این هدف مهم، زمان زیادی باقی نیست.

معمای شبکهٔ حقانی

ابوبکر سبزوار

جنرال جان آلن فرمانده نیروهای خارجی در افغانستان عازم پاکستان است تا در مورد مسایل نظامی و امنیتی با لوی درستیز نیروهای مسلح پاکستان، جنرال اشفاق کیانی مذاکره نماید. گفته شده که موضوع «شبکهٔ حقانی» در پاکستان و خطراتی که این شبکه برای نیروهای بین المللی و افغان و نیز غیرنظامیان وارد آورده است، در اجندای مذاکرات جان الن با جنرال کیانی شامل خواهد بود. جنرال الن طالبان تحت فرمان شبکهٔ حقانی را مسؤول بسیاری از عملیات خونین و خطرناک از جمله انفجار ده تن مواد منفجره در قرارگاه نیروهای خارجی در صحرا باغ خوست و حمله به هوتل سپوژمی در قرغه می داند.

سوال اینست که آیا گروهی مستقل به نام «شبکهٔ حقانی» وجود دارد؟ چرا مقامات امریکائی و ناتو تاکید دارند که این شبکه مستقل است در حالی که هم مولوی جلال الدین حقانی و پسرش سراج الدین و هم رهبری طالبان همیشه این ادعا را رد کرده و گفته اند که طالبان زیر فرمان ملا محمد عمر، همه با هم متحد اند. مولوی جلال الدین حقانی سال ها قبل در یک نوار تصویری، به اشتباهات دوران جهاد توسط مجاهدین اشاره کرده و گفته بود که دلیل شکست مجاهدین از برقراری یک نظام اسلامی در افغانستان، چند دستگی آنان در دوران جهاد بود و به پیروان خود توصیه کرده بود که وحدت رهبری راهگشای آنان به سوی هدف خواهد بود. همه باید از فرمان ملا محمد عمر اطاعت نمایند و تجربهٔ تلخ گذشته را تکرار نکنند.

تاکید طالبان بر وحدت رهبری تاکنون نه تنها مانع مهم برای اتحاد این گروه با حزب اسلامی به رهبری حکمتیار بوده است، بلکه کسانی چون اکبر آغا که گروهی به نام جیش المسلمین را در داخل طالبان رهبری می کرد و یا انوار الحق مجاهد پسر مولوی محمد یونس خالص که بعد از فوت پدرش می خواست جانشین پدر و رهبر این حزب گردد و دوام فعالیت این حزب را در کنار طالبان اعلام نماید، به این کار توفیق نیافتند. این درحالیست که مولوی جلال الدین حقانی از فرماندهان مربوط به حزب اسلامی خالص در دوران جهاد بود ص۶

صلاح الدین ربانی رئیس شورای عالی صلح:

جوانان نیروی فعال و پویای امروز، امید فردا و آینده سازان کشور اند



روز یکشنبهٔ هفتهٔ گذشته (۱۲ سرطان) جرگهٔ ملی صلح جوانان افغانستان در خیمهٔ لویه جرگه در کابل دایر گردید که در آن تعداد زیادی از جوانان از سراسر کشور حضور بهم رسانیده بودند. این جرگه که برای سه روز ادامه داشت، تعدادی از مقامات دولتی و احزاب سیاسی اشتراک داشتند. گفته می شود که این نشست به منظور زیر چتر قرار دادن جوانان کشور در عرصه های مختلف می باشد تا در قضایای مهم جوانان نیز سهیم باشند. گردانندگان این جرگه گفته اند که، وابستگی سیاسی و مادی ندارند و ۱۰۶ نهاد جامعهٔ مدنی عضویت این جرگه را دارند. محترم صلاح الدین ربانی رئیس شورای عالی صلح که در افتتاحیهٔ این نشست اشتراک داشت، سخنرانی نمودند که متن کامل آن به نشر می رسد. «اداره»

نحمده و نصلی علی رسوله الکریم أما بعد

حضار گرامی، خواهران و برادران عزیز، جوانان ارجمند و آینده سازان کشور، اعضای محترم جرگهٔ ملی صلح جوانان افغانستان

السلام علیکم و رحمت الله و برکاته

در آغاز جا دارد تا از همه ای جوانان رسالتمندی که با احساس پاک نسبت به وضعیت کنونی کشور دست به برگزاری این جرگهٔ مهم و سرنوشت ساز زده اند، صمیمانه قدردانی نموده، و برای موفقیت شان از بارگاه رب العزت توفیق بیشتر استدعا نمایم.

شکی نیست شما جوانان مهمترین و گرانبهاترین سرمایهٔ ملی مان هستید. جوانان نیروی فعال و پویای امروز، امید فردا و آینده سازان کشور اند. تاریخ گواه این حقیقت است که جوانان همیشه در پیشاپیش جریان ها و جنبش های اصلاحی و تحولات تاریخی در میان ملت ها قرار داشته اند.

فراموش نباید کرد که در کشور عزیزمان، در پیشاپیش قیام تاریخی ملت، در برابر تجاوز قشون سرخ، نقش جوانان کاملا واضح و برجسته بوده است.

جوانان عزیز!

شما در مراحل حساس و تاریخی کشور قرار دارید، جامعهٔ ما در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ملی و بین المللی در حال شکل گیری جدید بوده، هنوز در مرحلهٔ گذار و عدم استقرار قرار داریم. اینک مسؤولیت همه، در رأس مسؤولیت نخبگان و شما جوانان است که در شکل دهی نظام مطلوب خویش، رسالت تاریخی تان را انجام دهید.

در این شکی نیست که در ده سال اخیر دستآوردهای داشته ایم، ولی با وجود این دستآوردها کشور مان در عرصه های مختلف با مشکلات و چالش های روبرو می باشد. جنگ و بدامنی در رأس مشکلات کنونی جامعهٔ ما قرار دارند، با تأسف، مردم هنوز هم از نعمت صلح سرتاسری در کشور محروم اند.

وقتی که صحبت از صلح می شود منظور از آن مسالمت، برادری، محبت و از بین بردن نفرت از میان مردم است، در مفهوم اصطلاحی و رایج آن، به متارکه، حسن تفاهم، آشتی و هماهنگی تعبیر گردیده است.

برادران و خواهران عزیز!

افغانستان بیش از سه دهه است که در وضعیت جنگ و تشنج به سر می برد. بخش زیادی از این جنگ های سه دههٔ اخیر، محصول تجاوز مستقیم و مداخلهٔ بیرونی بوده، و عواملی داخلی نیز زمینهٔ تداوم جنگ و خشونت را فراهم ساخته است، در حالی که مردم افغانستان همیش خواهان زندگی آرام و مسالمت آمیز بوده اند.

همان گونه که بارها گفته ایم، این بار نیز تأکید می کنیم که هدف جهاد و مقاومت مردم افغانستان، در برابر تجاوز و مداخلهٔ خارجی، بازگرداندن صلح، ثبات و امنیت به کشور بوده است. در یک دههٔ گذشته همهٔ تلاش های دولت و مردم افغانستان با همکاری جامعهٔ جهانی، که بی ثباتی در افغانستان به آن ها نیز آسیب رسانیده، برای امنیت پایدار و ثبات دایمی، به عنوان حالت اصلی زندگی انسانی، متمرکز بوده است.

ما و شما در ده سال گذشته تا اندازه ای به این هدف دست یافته ایم، و در نتیجهٔ فداکاری های مردم افغانستان و همکاری جامعهٔ جهانی، نظم عمومی و امنیت بر بخش زیادی از جامعه برگشته، و همین که امروز، اینجا از گوشه و کنار افغانستان گرد هم آمده ایم، بیانگر برگشت نظم نسبی به زندگی عمومی ما است. اما این پایدار به نظر نمی رسد، و **هنوز هم جنگ، زندگی امروز و فردای ما و شما را تهدید می کند. تهدید های که هم عوامل داخلی دارند و هم ریشه های بیرونی.**

جوانان عزیز!

همه می دانیم و تاریخ نیز گواه است که هیچ جنگی را تنها با قوهٔ قهریه و روش خشونت آمیز نمی شود مهار کرد. پایان دادن به هرخشونت از راه قوهٔ قهریه، تنها پاک کردن صورت ظاهری مسأله است، نه اصل مسأله.

راهِ رسیدن به این خواست، فقط در از بین بردن عوامل داخلی جنگ افروزی و خشکاندن ریشه های بیرونی جنگ است و برای همین، در چند سال اخیر تلاش هایی در جهت حفظ امنیت و برقراری صلح و ثبات برای آیندهٔ کشور آغاز شده است. این که چرا در نیمهٔ دوم یک دههٔ گذشته بار دیگر شعله های آتش جنگ در این گوشه و آن گوشه کشور زبانه کشید، علاوه بر ریشهٔ خارجی، عوامل و بسترهای داخلی نیز دارد. همهٔ سربازان مخالف مسلح دولت بر اساس وابستگی خارجی و یا مبنای فکری به جنگ رو نیاورده اند.

بخشی از بدنهٔ نیروی جنگیِ مخالفان را، افراد و جوانانی تشکیل می دهند که نارضایتی ها و عوامل دیگری مثل بیکاری، فقر و عدم آگاهی، آن ها را به صحنهٔ نبرد کشانده است.

همان گونه که بزرگان ما در دورهٔ جهاد و مقاومت برای رهایی این سرزمین از چنگ بیگانگان، مبارزه کردند. اکنون وظیفهٔ دینی و تاریخی ما است تا برای دستیابی به صلح، به علاوهٔ تلاش در جهتِ از بین بردن ریشه های خارجی جنگ، برای نجات آنهایی که بنا بر عوامل مختلف ابزار بیگانگان شده اند، سعی و تلاش نماییم.

بی توجهی به وضعیت زندگی مردم، عدم گسترش حاکمیت قانون و توفیق نیافتن دولت برای ایجاد یک نظام و ساختار پاسخگو، اردوگاه دشمن را تقویت کرده و سبب افزایش نارضایتی شده است.

برادران و خواهران عزیز!

در روند گفتگو با مخالفان مسلح دولت، ما حتماً به صدای طیف های مختلف گوش می دهیم، و این گفتگو ها ما را در راستای شناسایی بهتر، و ریشه کن کردن عوامل تنش را در کشور کمک خواهد کرد. همانگونه که گفتیم، برخی از عوامل داخلی تداوم جنگ و نا امنی، به عدم موفقیت ما برای رسیدگی به خواست های مشروع مردم، بر می گردد.

از دولت افغانستان می خواهیم که گوشش را برای شنیدن خواست های مشروع اقشارِ مختلف مردم باز کند و در راستای عملی سازی و تحقق خواست های مردم گام های عملی بردارد. بی توجهی به خواست های مردم، در ده سال گذشته، برای ما هزینه های سنگینی را تحمیل کرده است و باید بیشتر از این فرصت ندهیم که دشمن از این وضعیت استفاده کند و از ما قربانی بگیرد. مردم دیگر نمی خواهند که دولت تنها به اعتراض آن ها گوش بدهد و گامی در راستای رسیدگی به خواست های آنها نبردارد. مردم در ده سال گذشته خواست های مشروع شان را تکرار کرده اند و به گوش دولت هم رسیده است. مردم از دولت انتظار گام های جدی را دارند.

مردم از حکومت چی می خواهند؟ **انتظار مردم از دولت، گسترش حاکمیت قانون در همهٔ لایه های نظام و جامعه و ایجاد یک نظامِ پاسخگو است. نظامی که شایسته سالاری در آن واقعیت عملی در اداره کشور باشد.** دولتِ خدمتگزار، دولتِ مبتنی بر مدیریت علمی و تخصص همراه با تعهد است، نه دولت مبتنی بر روابط و سلیقه ها.

جوانان عزیز!

با وجود این همه مشکلات، من یقین دارم جوانان پویا، آگاه و وطن دوست می توانند نقش مهمی را در تحولات و اصلاحات اجتماعی ایفا نمایند.

همانگونه که در دوران جهاد و مقاومت برای آزادی و استقلال کشور بسیج شدیم، امروز نیز می توانیم برای تضمین فردای یک افغانستان متحد و توسعه یافته، در صف صلح بسیج شویم.

همانگونه که رهبر فقید جهاد و مقاومت و شهید صلح افغانستان تأکید داشتند، تلاش های ما زمانی می تواند به ثمر برسد، که پشتوانه قویِ حمایت مردمی را با خودش داشته باشد، و هرکسی به اندازه توان خودش، برای پایان دادن به خشونت و تضمین فردای آرام، و با ثباتِ این سرزمین، کار کند.

جوانان عزیز!

من امروز در جمع شما با جرئت می گویم که در شورای عالی صلح خود را نمایندهٔ شما می دانم. به همین دلیل انتظار من از جوانان که قربانیان اصلی منازعات بوده اند، این است که در راستای صلح در کشور، بسیج شوند. شما جوانان به عنوان قشر آگاه و دلسوز، در راه جلوگیری از پیوستن نسل جوان به کانون های ترور و دهشت افگنی می توانید گام های وسیعی بردارید. شما به عنوان علمبرداران صلح و امنیت در شهر و قریه رسالت خود را فراموش نکنید. برخی انسان هایی که از منازعه و تشنج سود می برند، به بهانه های مختلف، جوانان ما را به خشونت تشویق می کنند تا بقای خودشان را با بهای خون آنها تضمین کنند. **سخنم به جوانان این است که، هیچ راه مطمئن دیگری غیر از صلح برای تضمین فردای خوب و روشن شما وجود ندارد. به همین دلیل، نباید فریب آنهایی را بخوریم که از ما تنها به عنوان یک ابزار، قربانی می گیرند.**

عده ای از سر دلسوزی ابراز نگرانی می کنند که شاید روند کنونی صلح، برخی دستآوردها را از ما بگیرد، برخی دیگر، جوانان، بخصوص خواهران ما را از این پروسه می ترسانند. من می خواهم تأکید کنم که ارزش هایی را که تسجیل کرده ایم، از دست نمی دهیم و با آن معامله صورت نمی گیرد. **در صلح هیچگاه ما و شما بازنده نخواهیم بود، این جنگ است که همهٔ فرصت ها را از ما و شما می گیرد و یک کشور ویران و توده هایی از آوار را به ما و شما به میراث خواهد گذاشت.**

خواهران و برادران عزیز!

در پایان یک بار دیگر تأکید می کنم که، صلح در افغانستان با حمایت مردم تحقق می یابد، و بسیج عمومی مردم، راهِ رسیدن به صلح عادلانه است. باید شما جوانان گردانندگان و رهبران اصلی این بسیج ملی برای صلح باشید، تا جلو تلاش های دشمن برای سرباز گیری، از میان جوانانی مثل شما گرفته شود.

و اقول قولی هذا استغفرالله لی ولکم و لسایرالمسلمین

جلوهٔ شهادت و سامانه های معنوی در شعر

ع – ملکزاد

معنویت یکی از جلوه های متعالی و سرچشمهٔ نیکی ها می باشد که با دستِ لطفِ پروردگار، در ضمیر آدمی به ودیعت گذاشته شده است. انسان این "نقطهٔ اوج آفرینش" عشق به خدا، پیامبر عظیم الشأن، عبادات خاشعانه، جهاد در راه برتری نام مقدس او و خدمت به خلق را "نقل نگاه های زیبا شناس" خود قرار می دهد.

این "رفعت وارجمندی" همواره برای شعرایی که خواهان گرایش به سوی معنویتند، "منشاء الهامات فراوان" می باشد و به گفتهٔ دکتر رضا راشد: از آنجایی که عمده ترین خویشکاری ادبیات هم انسان سازی است، برای رسیدن به این هدف لازم است از سویی عناصر و عواملی را بجوید که از جنبه های عاطفی و هم از جهات دیگر با دل های همگان آشنا باشد."

پیامبران الهی« علیهم السلام» ارمغان آورندگان معنویت برای ابنای بشراند. تعالیم معنوی ای که واپسین فرستادهٔ خدا" صلی الله علیه وسلم" به ارمغان آورد، به عنوان جامع ترین وکامل ترین و گسترده ترین تعالیم معنوی ای بود که از سوی خدا به بشریت هدیه گردید. حال از این بگوییم که معنویت چیست؟ معنویت فراتر ازکلمات است که به عقیدهٔ برخی، واژه ها نمی توانند قادر به تشریح آن باشند. به عبارهٔ دیگر، معنویت عبارت از چیزی بزرگتر از خود را، در اندرون خویش یافتن است. که کلام را پای از ارائهٔ سخن در مورد آن، می لنگد. عده ای از ارباب فضل "معنویت" را «عبور ازظواهر هستی» نام نهاده اند. شیخ اجل سعدی را، است:

به جهان خرم ازآنم که جهان خرم از اوست
عاشقم برهمه عالم که همه عالم از اوست

روحانیت، ضد دنیاگرایی و دینی بودن، جلوه هایی است منبعث از" معنویت"! و از نظر برخی دیگر: "حقیقت عالم" و عناصری نظیر: ایمان به غیب، ایمان به خداوند یکتا، باور به احکام شریعت و عمل به آنها و مهربانی با انسان ها و اخلاق حمیده، عدالت، دفاع از مظلومین و ایستادگی در برابر ظلم و جنایت...، متجلی شونده در زیر چتر بلورین معنویت اند. از آنجایی که معنویت و همراه با او مقام رفیع شهادت و جلوه های آن دو در کلام سخنوران، محور جستارما را تشکیل می دهد، فلهذا برآن می شویم تا نمونه هایی ارائه می دهیم که بازتابی ا ند از سه موضوع یاد شده.

علامه اقبال لاهوری (رح) از گلشن معنویت، دسته های گلی را بر چیده است که از آن ها عطر جان پرور استغنا و همت عالی و سربلند زیستن، اینگونه به مشام می رسد:

همچو آیینه مشو محو جمال دگران
از دل و دیده فرو شوی خیال دگران
در جهان بال و پر خود خویش گشودن اموز
که پریدن نتوان با پر و بال دگران.

نقش معنویت سازنده است و تجلی آن در اندیشه و ضمیرآن موجب برازندگی و رشد شخصیت و بزرگی آن می شود. می گویند: قدرت معنوی، نه تنها حاوی برترین و نیرومند ترین قدرت است، بلکه اساسی ترین عامل انسجام و دوام جوامع و تشکل های انسانی نیز می باشد. به همین دلیل پیامبران بزرگ، به عنوان "عامل پیوند و محور معنویت، موفق ترین، انسجام دهنده ترین و تحکیم بخشنده ترین روابط میان انسانی معرفی شده اند."

نتیجه می توان گرفت که: پیروزی انسان ها درگرو پایبندی دوامدار و درکِ عمیق ارزشمندی معنویت است. هرگاه پای چنین وابستگی و پایبندی، و شناختِ ارزشمندی آن درمیان نباشد، یورش گرگ های هار آفت را برای به خطرانداختن جان انسان، و تهدید روان آن بعید نمی توان انگاشت.

اندست از شعرای متعهدی که توانسته اند در جایگاه بلند« تلامیذ الرحمن» قرار بگیرند، این عروج و موفقیت را از دساتیر ارزنده و زندگیساز اسلام و متابعت از روش حسنهٔ پیامبراسلام (صلی الله علیه وسلم) فرا چنگ آورده اند. صفت چنین سخنوران، ممدوح است. در جای دیگری استاد سخن (خلیلی) در مورد آن اینگونه پرداخته است:

هست شاعر ساز فطرت را مبارک نغمه ای
کزدم جان بخش چندین مرده را احیا کند
شعر آهنگ دل است و نغمهٔ روح بشر
بر نوای دل جهان را عاشق و شیدا کند
[illegible] باشد کتاب عشق [illegible]
[illegible]
هر کجا عشق است شاعر می کند [illegible]
هر کجا حسن است آنجا آشیان بر پا کند.

استاد به این باوراست: گاه شعر تاثیری بر می انگیزد که شنونده را سخت تحت تاثیر می آورد، ولو گویندهٔ آن صاحب عقیده اسلامی نباشد. در پیوند با چند بیتی که از شاد روان خلیلی نقل شد، این نکته را نیز می توان به آن افزود: ارتباط معنویت- که دارای اهمیتی حیاتی است- به مصداق قول" ویلیام وست"، همیشه با مذهب رابطه ندارد. یک نگاه کوتاه به تاریخ ادبیات گذشته به تایید "سیرهٔ ابن هشام" بازگوکنندهٔ این نکتهٔ بارز است؛ یعنی: تاثیرآفرینی و برخوردار بودن محتوای شعر، از معنویت،گفته ویلیام را، مهرتائید می گذارد. بعضی از خصایص اشعار دورانِ آغازین تابش خورشید اسلام نیز استوار برهمین بنا و روحیه بوده است که از آن جمله می باشد سرودهٔ سخنوری موسوم به " قتیله بنت حارث"، که در عهد حیات پربار و شریفهٔ حضرت سرور کائنات می زیسته است. به روایت سیرهٔ ابن هشام، با شنیده شدن شعرِ آن شاعره به وسیلهٔ سرور و سردار راستان" صلی الله علیه وسلم"، که انشادکرده بود:

یا راکباً ان الاثیل مظنه
من صبح خامسه و انت موفق

(ترجمه): ای سواری که در صبح روز پنجم سفر به جایی رسیده ای که گمان می رود قبر و آرامگاه اوست."

آن حضرت " صلی الله علیه وسلم" فرمود: اگر این سروده را قبل از کشته شدن نضر شنیده بودم، عفوش می کردم.

برخی از ابیات این قصیده- با وجودی که در قطب مخالف آیین آن حضرت قرار دارد- حاوی نکات جالب و درعین حال احساس بر انگیز است. چنانچه:

ابلغ بها میتاً بان تحیه
ما ان تزال بها النجائب تخفق

(ترجمه): سلام و درود مرا به او برسان. انسان های اصیل همیشه نمی میرند."

منی الیک وعبره.مسفوحه
جادت بواکفها و اخری تخنق

(ترجمه): سلام و تهیت من برتو باد! درغم تو، سیل اشکم ریزان است و دلم ملتهب."

هل یسمعنی النضر إن نادیته
أم کیف، میت لا ینطق

ترجمه) : آیا نضر ندای مرا می شنود یا نه؟ مرده ای است که حرف نمی زند."

أ محمد یا خیر ضن کریمه
فی قومها والفحل فحل معرق

(ترجمه) : ای محمد! ای بهترین فرزندان قریش و فرزند بهترین شجاعان اصیل!"

ما کان ضرک لو مننت وربما
من الفتی وهو المغیظ المحنق

ترجمه): چه می شد اگرمنت می نهادی و برادرم را نمی کشتی چه بسا که جوانمرد به هنگام خشم، بخشش کند."

ظلت سیوف بنی أبیه تنوشه
لله أرحامٌ هناک تشقق

ترجمه): همچنان شمشیرخویشاوندانش می جنگند، آنجا نزدیکانی است که خود را فدا می کنند."

صبراً یقاد إلی المنیهٔ متعباً
رسف المقید وهو عان موثق

ترجمه): شکیبا باش او به سوی مرگ روانه می شود، در حالی که رنجور است و دستش بسته و در اسارت است."

أو کنت قابل فدیهٔ فلینفقن
باعز ما یغلو لدیک وینفق

ترجمه): آیا اگر فدیه ای می پذیرفتی، ما ارزشترین چیز را به تو می دادیم."

[illegible] است قرانه

(ترجمه): [illegible] نضر از بین اسرایی که گرفته بودی نزدیک ترین بود به تو و سزاوار بودکه آزادش می کردی."

برادرِ این شاعره- که بعد از اسارت کشته شده بود- نضر بن حارث نام داشت که پیامبراکرم " صلی الله علیه وسلم" او را مهدورالدم قلمداد فرموده بود.

محمد رایع حسنی ندوی می گوید:" قصیدهٔ " بانت سعاد" – که به دلجویی از پیامبر بزرگوار اسلام «صلی الله علیه وسلم» و نشان دادن تواضع انشاد گردیده بود- نیز از جمله سروده هایی بود که مورد قبول آن حضرت واقع شد و از جملهٔ آثار ماندگار درادبیات اسلامی قلمداد گردید که با نقل یک بیت آن اکتفا و به اصل موضوع برمی گردیم:

بانت سعاد فقلبی الیوم متبول
متیم اثرها لم یفد مکبول

ترجمه آن اینست: (وسعاد رفت و امروز دلم دیوانهٔ عشق اوست و در دام او اسیراست و این اسیر را کس به فدیه آزاد نکرده است." از معاصران بگوییم، ازسخنور نامور سرزمین خون و شهادت (افغانستان)، شادروان استاد خلیلی، آنی که در بسیاری از سروده های آبدار خود، خصوصاً اشعار جهادی اش مصداق این بیتِ دلنشین خود شده است:

شعرآهنگ دلست و نغمهٔ روح بشر
بر نوای دل جهان را عاشق و شیدا کند.

استاد با سرایش برخی از اشعار بلندش توانسته است در جمع کسانی قرار گیرد که در تبارز معنویت و رشد کمال انسانی، سعی بیدریغ داشته و به گونهٔ مولانا و سعدی و حافظ و بیدل و امثالهم، در ارائهٔ سامانه های معنوی و ارزش ها گام های استواری را فراپیش نهد. در میان این سرحلقهٔ سخنسازان حماسه و جهاد افغانستان، مفاهیمی ملاحظه می گردد که موضوع آن ها دفاع ازحق است و روح ایثارگری و پشتیبانی از مظلومان و بیکسان و پیوند همدلی و همنوایی.

استاد خلیلی رفتن در چنین مسیر ارجمند را، جزء رسالت خویش قرار داده است و به وضوح ابلاغ کرده که برای یک مسلمان فرقی نمی کند همنوع هم کیشش در کجای کرهٔ خاکی زیست دارد و منوط به کدام تیره و تبار می باشد؟!

این درس برگرفته شده از ارشادیست که اسلام عزیز مارا به عنوان مسلمان به سوی آن فرا می خواند. دین سعادتیاری که برای پیروانش واتمودکرده، آنچه ارزشمند است عقیده است و حق شناسی و نوع پروری و برخوردار بودن از معنویت، نه جغرافیا و نه هم مرز و زبان...!

به ترجمهٔ این حدیث متبرکه توجه مبذول داریم که رسول اکرم " صلی الله علیه وسلم" فرموده اند: " مثل مؤمنان در دوستی و ابراز رحمت و عاطفه به یکدیگر، مثل پیکر است. هرگاه عضوی ازآن دردمند شود، دیگر اعضای پیکر با بیخوابی و تب با آن عضو همدردی می کنند."

شاعر بزرگ سعدی(رح) با الهام ازاین ارشاد پربار و زندگیساز، چه خوب زیبا سروده است:

بنی آدم اعضای یکدیگرند
که در آفرینش ز یک گوهرند
چوعضوی به درد آورد روزگار
دگر عضو ها را نماند قرار
توکز محنت دیگران بی غمی
نشاید که نامت نهند آدمی.

به این باورم: اگر استاد امروز زنده می بود، اندوهش را در قبال کشته شدن مردم مظلوم سوریه و...، نیز تبارز می داد، در عین اینکه از پیروزی هایی که در قبال "بهارعربی" نصیب درد خستگان برخی از کشورهای عربی گردیده بود، به نعمتِ خورسندی دست می یافت. آری، وی همینگونه رسالت خود می دانست تا احساسات خود را، از پیروزی بزرگ ملت مصر، به رهبری اخوان المسلمین، به نمایش بگذارد.

علامه اقبال – مسقط الرأسش سیالکوت لاهور است- نیز تمیز رنگ و بو را برخود و همکیشان خود حرام می شمارد:

نه افغانیم و نه ترک و تاریم
چمن زادیم و از یک شاخساریم
تمیز رنگ و بو برما حرام است
که ما پروردهٔ یک نو بهاریم.

و صائب تبریزی هم می گفت:

تاروپود عالم امکان به هم پیوسته است
عالمی را شاد کرد آنکس که یک دل شادکرد

چنانچه اشاره شد، خلیلی تنها از درد ملت مظلوم خود نمی موید، بلکه از بیچارگی ها و از دیدن وشنیدن حالت زار و غم انگیز انسان ها در کرهٔ خاکی نیزگریه سر می دهد. شعر:" تقدیم به شهدای الجزایر" از همین دست سروده هاست. قبل از ارائهٔ ابیاتی از این شعر، باید متذکر گردید که: در تاریخ بشر جنگ های خونین و حوادث فاجعه باری اتفاق افتاده که موجب ریختن جوی های خون در روی زمین گردیده است.

انقلاب اسلامی افغانستان برضد اتحاد جماهیرشوروی سابق و پیش از آن حرکت و قیام آزادیخواهانهٔ مردم مسلمان ما برضد قشون انگلیس، انقلاب الجزایر، لیبیا و عراق علیه استعمار فرانسه و ایتالیا و بریتانیا، جنگ اعراب و اسرائیل و اشغال سرزمین های اسلامی توسط رژیم صهیونستی، هرکدام رویدادهایی اند خونین؛ که در نتیجهٔ آن هزاران انسان به کام مرگ کشانیده شده اند.

سخن از شعر خلیلی است در باب شهدای الجزایر. از تاریخ انشاد این شعر به بیشتر از پنجاه سال می گذرد. به گواه اسناد تاریخی، در نوامبرسال ۱۹۵۴ زیر پرچم اسلام انقلابی پدید آمد که رهبری آن را جوان رشید و قهرمانی به نام عبدالقادر به عهده داشت. پس از دستگیری عبدالقادر، احمد مسالی حاج، احمد بن بلال، ازجملهٔ سایر فعالان یا سران نهضت استقلال طلبی الجزایر محسوب می شدند.

انقلابیون الجزایر با شعار اسلام توانستند مردم زیادی را به گرد خویش جمع کنند که دراین راستا نقش دهقانان چمشگیر و گسترده تر بود. این انقلاب- که علیه استعمار فرانسه راه اندازی شده بود- از سال ۱۹۵۴ الی ۱۹۶۱ حدود بیشتر از هشت سال به طول انجامید.

به تاریخ هفدهم اکتوبر سال ۱۹۶۱ برابر با ۱۳۴۰هـ ش، ارتش فرانسه چنان به قتل و کشتار و جنایت دست یازید که وجب وجب خاک آن به خون بیگناهان الجزایر رنگین گشت. اما نظامیان فرانسه از هیچنوع خشونت و خونریزی و قتل عام – که شامل به دریا انداختن گروه های زیادی از مردم و افگندن تعداد زیادی از آنها به گورهای دسته جمعی می گردید- فروگذاشت نکردند. قربانیان این جنایت و قتل عام تنها انقلابیون الجزایر نبودند، بلکه کودکان و زنان و پیرمردان نیز می شد. دراین انقلاب، رهبری دختر مبارز الجزایری به نام: " جمیله بوپاشا" در میان زنان تحسین برانگیز بود.

استاد خلیلی تأثر عمیق خود را در قبال قتل عام مردم الجزایر توسط نظامیان الجزایر، در سرودهٔ سوزناکی – با پرسشی اعتراض آمیز- اینگونه بازتاب داده است:

تیغ بهرام زین کبود حصار
بهرکیفر حصار نخواهد شد؟
از تف آه الجزایریان
شعله ها در جهان نخواهد شد؟
آبیار نهال آزادی
اشک این بیکسان نخواهد شد؟
از صدای شکستن دل ها
آسمان در فغان نخواهد شد؟
آن که فرمان به خون مردم راند
خاکش اندر جهان نخواهد شد؟
از سر لاشهٔ رعونت و از
دفع این کرگسان نخواهد شد؟

با شنیدن سروده هایی از این قبیل و نمونه هایی که در فوق ارائه گردید، شنونده- به گفته دکتر راشد نویسندهٔ کتاب " پرتوهایی از قرآن و حدیث در ادب فارسی"- متیقن می گردد که: "هنری ترین و بهترین قالب بیانی هم برای نمایش سا همانا شعر است " پدیدهٔ موثری که عواطف انسانی و احساس را [illegible] اسلوب زیبایی باهم گره می زند.

تکساری

چالش ها و موانع در برابر رئیس جمهور مصر

محمد مرسی پنجمین رئیس جمهور کشور مصر است، که توانست ۷۳،۵۱ در صد آرای ۲۵ میلیون و ۵۷۷ هزار شرکت کنندگان در انتخابات را به دست آورد. محمد مرسی سیاستمدار اسلامگرای مصری است که پس از انقلاب ۲۰۱۱ این کشور به ریاست جمهوری رسید. مرسی رئیس حزب آزادی و عدالت مصر و وابسته به اخوان المسلمین مصر است. حال در برابر حکومت مرسی چند مشکل اساسی وجود دارد که از جمله موجودیت شورای پرقدرت نظامی است که در آستانهٔ انتخابات مصر، این شورای نظامی پارلمان کشور را منحل اعلان کرد و به گفتهٔ العصار یکی از اعضای شورای عالی نظامی مصر، برخی از اختیارات مربوط به قوهٔ مقننه را به خود محفوظ داشته است؛ زیرا در شرایط موجود پارلمان وجود ندارد و تا زمان انتخاب مجدد اعضای پارلمان اختیارات در دست شورای نظامی خواهد بود.

بر اساس متمم قانون اساسی، شورای عالی نیرو های مسلح مصر می توانند، به هر یک از مفاد قانون اساسی جدید که با اهداف انقلاب و منافع عالی کشور در تضاد باشد، مخالفت کند؛ در حالی که پس از پیروزی اسلام گرایان در مصر، گروه های سیاسی؛ به ویژه اخوان المسلمین مخالفت خود را با این متمم قانون اساسی اعلان کردند، و این اقدام شورای عالی نیروهای مسلح را در حقیقت یک نوع کودتا علیه انقلاب مصر خواندند، از همین حالا فهمیده می شود که ارتش مصر نیروی مطمئن برای اخوان المسلمین نیست، و این خطر وجود دارد که ارتش مصر، مانند ارتش ترکیه عمل نماید و جلو فعالیت های بدون قید و شرط حکومت اسلام گرای مصر را بگیرد و مانند اربکان مرسی را از قدرت خارج سازد؛ با وجود آنکه شرایط سیاسی و اجتماعی مصر از ترکیه فرق می نماید؛ اما با آن هم دشواری های را در برابر این حکومت جدید به وجود خواهند آورد.

امروز اکثریت اهرم های قدرت، در دست اشخاصی قرار دارد که روزی از حامیان حکومت مبارک بودند و به آستان آن خوابیده بودند. اخوان المسلمین و ارتش سکولار در گام نخست، یک دیگر را با شک و تردید های خواهند نگریست. در شرایط کنونی بزرگترین موفقیت محمد مرسی اعتماد سازی میان این حکومت و ارتش خواهد بود، در غیر آن این حکومت نخواهد توانست به راحتی برنامه های خود را عملی سازد و این در صورتی است که اخوان المسلمین کمتر از یک چهارم از آرا را در دور اول انتخابات به دست آورده بود و اکثریت عظیمی مصری ها به این حزب رای نداده اند که این خود از نگرانی های دیگری این حزب است. از همین حالا کاهش قدرت ریاست جمهوری از سوی ارتش و شورای عالی نظامی سر زبان ها است. از سوی دیگر اعضای ارشد دادگاه کشور از طرفداران مبارک و ارتش اند، که تصفیهٔ آنها در شرایط موجود، کار دشوار خواهد بود. بی مورد نیست که قبل از انتخابات ریاست جمهوری مصر، دادگاه عالی قانون اساسی پارلمان مصر را که تحت کنترول اخوان المسلمین بود، به دلیل ناکارآیی آن، این پارلمان را منحل اعلان کرد.

این احتمال وجود دارد که حکومت اسلامگرای مصر با این دادگاه مشکل جدی پیدا نماید؛ حتا آن دادگاه تصمیم گرفته است؛ تا مشروعیت حزب آزادی و عدالت را که شاخهٔ سیاسی اخوان المسلمین است، را مورد بررسی قانونی قرار دهد. اگر دادگاه بتواند به این نتیجه برسد، که این حزب به احزاب سکولار سر سازش ندارد و در مواردی سائر احزاب را مورد توهین قرار دهد، دادگاه در مورد حزب آزادی و عدالت تصمیم خواهد گرفت. این یک مشکل جدی در برابر حکومت مرسی، ارتش سکولار و احزاب سکولار در مصر است، که این حزب تا اکنون از راه مدارا با آن ها برخورد کرده، و گفته است که شخصیت های سکولار را در پوست های بزرگ دولتی، و در کمیتهٔ تصویب قانون اساسی شامل خواهد ساخت و ۷۰ درصد اعضای کابینه را غیر از حزب آزادی و عدالت تعیین خواهد کرد و حقوق همه اقشار اجتماعی را در رهبری کشور در نظر خواهد گرفت.

تا هنوز شعار در مصر چنین است که ارتش و مردم یکی اند و این حزب پیروزمند به ارتش مصر مباهات می نماید. الحداد مشاور اقتصادی و سخنگوی شاخهٔ سیاسی اخوان المسلمین (حزب آزادی و عدالت) اظهار داشته است که، بر اساس طرح اخوان المسلمین، نزدیک به ۱۵- ۲۰ (مدیر برنامه) برای هر یک از ۳۲ وزارتخانهٔ مصر تعیین خواهند شد، هر کدام از این مدیرها به طور مستقیم با وزرای انتخابی محمد مرسی، در ارتباط خواهند بود. همین اکنون اخوان المسلمین از ماه سپتمبر گذشته تا اکنون ۶۰ تن را در این رابطه تحت آموزش قرار داده است، و این کار می تواند یک مبارزهٔ جدی در برابر اعمال و کارگزاران حکومت سابق بوده باشد که به وسیلهٔ این مدیریت بتوانند، بر اعمال آنها نظارت کنند.

امروز جنرالان ارشد در فرماندهی پولیس و پولیس های ضد شورش و همچنان نهادهای اطلاعاتی قدرتمند در مصر وجود دارد که وظیفهٔ آنها سرکوب اپوزیسیون و هر حرکت ضد نظام مبارک بود؛ در صورت تصفیهٔ این جنرالان از پولیس و سیستم اطلاعاتی کشور از این اشخاص، حکومت جدید در برابر یک مقاومت حساب شده قرار خواهد گرفت و این جنرالان خواهند توانست، در صورت بروز تنش وزارت کشور را از کار بیاندازند. بی مورد نیست که محمد مرسی در نخستین پیام تلویزیونی خویش از ملت بزرگ مصر خواست، تا به خاطر تقویت وحدت ملی فراگیر، کار و تلاش نمایند. او در پیام خویش اصرار داشت که همه توافقات بین المللی نظام گذشته با کشور های جهان را به رسمیت می شناسد و از آنها پشتیبانی می کند، همچنان وی گفت که: پیام ما برای جهان، پیام صلح اسهت.

باید گفت که دولت محمد مرسی دولت ائتلافی است، در صورت عدم پیروزی این ائتلاف تمام تلاش های این حزب، به ناکامی منجر خواهد گردید. مرسی در عرصهٔ سیاست داخلی خود، با چالش های اقتصادی و امنیتی مواجه می باشد. نیرو های داخلی سکولار، احزاب غیر مذهبی، طرفداران حکومت مبارک، از جمله موانع پیشرفت این حزب در مرام خویش خواهد بود. بدون شک امروز وجهه ارتش سکولار بعد از بی طرفی آن در انقلاب مصر در میان مردم بالا رفته و اعتماد مردم را به دست آورده است. ائتلافی بودن دولت های پس از بحران، خود بحران آفرین خواهد بود و منجر به فروپاشی خواهد گردید؛ زیرا پای منافع، آنها را به این ائتلاف کشانده است و عدم پیروزی آنها در این ائتلاف، آنها را از ائتلاف بیرون خواهد ساخت. در ادارهٔ مصر نیروهای لیبرال، سکولار، سلفی ها، قبطی ها و سائرین شرکت دارند که هر یک از این طیف ها به دنبال اهداف خویش اند.

دولت ائتلافی و فراگیری که محمد مرسی آن را برای مردم مصر وعده داده است، ضمن آنکه می تواند نقطهٔ قوت وی گردد، همچنان احتمال فروپاشی آن را نیز فراهم خواهد ساخت؛ زیرا این ائتلاف ها می توانند در عدم دسترسی به اهداف خویش، ائتلاف را ترک نمایند. اگر حکومت اسلام گرای مصر بتواند یک نوع موازنه میان ارتش و سائر احزاب سیاسی به وجود آورد، به یک پیروزی زود هنگام دست خواهد یافت، و در صورت نبود یک چنین پیروزی، بدون شک اخوان المسلمین امتیازات بیشتری به ارتش واگذار خواهد کرد و دست ارتش در کشور بالا خواهد بود.

نذرالله عنایت

از سم نوشی سقراط تا سم پاشی طالبان!

بار دیگر جنایات کاران قرن، دختران مکاتب را در ولایات جوزجان مسموم ساختند. به گفتهٔ مسؤولان معارف درجوزجان در این حادثه ۱۶۰ شاگرد لیسهٔ ناصرآباد برای اولین بار مسموم شده راهی شفاخانه شدند. محمد عالم ساعی والی ولایت جوزجان ضمن محکوم نمودن این حادثه به دشمنان مردم افغانستان گفت که هیچ گاه به اهداف شوم شان از طریق ایجاد خوف و رعب جلو رو به رشد معارف را در کشور گرفته نمی توانند.

در این اواخر مسمومیت شاگردان در ولایات های شمالی کشور افزایش یافته است. یک هفته پیش این گونه حوادث در ولایت سر پل دو بار تکرار شد و به تعدادی ۳۰۰ دختر مسموم شدند. سه شنبهٔ هفتهٔ گذشته مقامات امنیتی اعلان کرده اند، چند نفر را به ظن دست داشتن در حادثهٔ سم پاشی سرپل دستگیرکرده اند. اما از ولایت جوزجان تا به هنوز کدام خبری مبنی برگرفتاری عاملان به رسانه ها گزارش نه شده است.

پیش از این ولایت های تخار، بامیان شاهد این گونه ر[illegible] بودند. روند سم ریزی و تیزاب پاشی دست کم چهار سال قبل از ولایت جنوبی قندهار آغاز شد و برخی از مکاتب شهر کابل ولایت های پروان و کاپیسا شاهد این گونه رخدادها نیز بودند.

پرسش اینجاست که پشت این گونه رخدادها چه کسانی هستند؟ و با مسموم [illegible] دختران به دنبال چه [illegible] می باشند؟ **باور عمومی این است که سم پاشی، تیزاب پاشی و دیگر شگرد های که بتواند افکار عمومی مردم را پریشان سازد،کار دشمنان مردم افغانستان می باشد- دشمنانی که متأسفانه تا هنوز تعریف درست از آنان نشده و در گفتمان سیاسی روزی برادر خطاب می شوند و روزی هم جزء انفکاک ناپذیر مردم افغانستان!**

اما طالبان و دیگر گروه های دهشت افگن، طی بیش از ده سال گذشته همواره ثابت ساختند که در کشتار مردم و جوسازی جنگی که می توان به آن جنگ روانی نیز گفت، از تکتیک ها و برنامه های گوناگون استفاده نمودند که تمام آنان جزء راهبرد و استراتیژی جنگی آنان به حساب می رود.

اسدالله سعادتی نمایندهٔ مردم در مجلس نمایندگان می گوید، تیزاب پاشی و مسموم ساختن دختران بخشی از سیاست های طالبان و حامیان شان به هدف محروم ساختن آنان از درس و تعلیم است. او می گوید، قرائت که طالبان از دین دارند، به زن حق نمی دهد که درس بخواند. نمایندهٔ مردم تصریح کرد، زن از نظر طالبان حق زندگی اجتماعی را ندارد و در صورتی که زن درس بخواند می تواند مشارکت اجتماعی داشته باشد که این حضور از نظر آنان جامعه را به فساد آغشته می سازد.

به باور آقای سعادتی، طالبان از همین حالا می خواهند با مسموم ساختن دختران، خانواده ها را مجبور سازند تا مانع رفتن دختران شان به مکاتب شوند. تیزاب پاشی و مسموم نمودن دوشیزگان آدمی را به یاد پدر علم فلسفه "سقراط" که در سدهٔ پنجم قبل از میلاد می زیست می اندازد که ناآگاهی مردمان عصرش از اهمیت قانون و همچنان تأکید خودش بر یک زندگی قانونمند، ویرا ناگزیر به نوشیدن جام زهر نمود. اما مدعیان دین درکشورما با گسترش دامنهٔ وحشت و اغتشاش، پاشیدن تیزاب و خوراندن زهر به دختران دانش اموز و تعمیل خشونت ها، سیمای عریان بی خردی، نادانی و مسؤولیت ناپذیری اجتماعی خود را به نمایش می گذارند.

سقراط آگاهانه زهر نوشید و طالبان بی خبر از همه مزایای انسانی زهر می پاشند. در حالی که اسلام برای مرد و زن در پهلوی سایر حقوق، حق تحصیل را داده است.

علم در جامعه روشنایی به بار می آورد، اما جهل تاریکی. باور ما این است که دختران تحصیل کرده و دانا که خود را می شناسند و خوب و بد را تشخیص می دهند، هر گز به منابع فساد تبدیل نه می شوند. در مقابل جهل، نادانی و فقر است که مسبب تمام بدبختی ها و شیوع هر نوع امراض فردی و اجتماعی در جامعه می گردد.

در همین حال سرور جوادی نمایندهٔ پیشین پارلمان می گوید که، طالبان و حامیان آنان به اهمیت علم و آگاهی پی برده اند و آنان آگاهانه می خواهند با این گونه رفتارها جلو رو به رشد دختران افغانستانی را که در آینده به مادران آگاه تبدیل خواهند شد بگیرند.

او می گوید مسموم سازی دختران جزء از راهبردهایی آگاهانهٔ طالبان است که می خواهند با این گونه اقدامات مردم افغانستان را در تاریکی و جهل فرو برند. او می گوید در حوادث سم پاشی و تیزاب، شاید طالبان و عمال محلی شان دست داشته باشند، اما عاملان اصلی این گونه رخدادها در آن سوی مرزها در قصر های مجلل نقشه ریزی می نمایند. طی سال های اخیر با آن که زنان افغانستان با دشواری های زیادی از سوی جامعهٔ مرد سالار، تهدیدات امنیتی، مافیای قدرت و ثروت رو برو بودند، **اما حضور آنان در نقش آفرینی، عرصه های آموزشی، سیاسی و اجتماعی برای مردم افغانستان، جامعهٔ جهانی و دشمنان این مرزبوم روشن است.**

طالبان و سایر اعجوبه های قرن ۲۱ باید بدانند که دیگر نمی توانند با این گونه رفتارهای ننگین شان آهنگ رو به رشد زنان را در جامعه بگیرند.

۱- احزاب اسلامی کشورهای جنوب شرق آسیا:

جریان های اسلام گرایی اندونیزیا، مالیزیا و جوامع اقلیت های مسلمان کشورهای جنوب شرق آسیا در اواسط سده بیستم با تأثیر ازجنبش های اسلامی شبه قاره هند و کشورهای عربی به خصوص اخوان المسلیمن مصر شکل گرفت. تسلط استعمار غربی بر اندونیزیا و سایر کشورهای جنوب شرق آسیا در سده بیستم موجب تکوین جنبش اسلامی به صورت یک جریان دینی- سیاسی و اجتماعی گردید. اما برغم آن جریان اسلام گرایی در اندونیزیا و مالیزیا برخلاف بعضی کشورهای اسلامی بصورت افراطی نمودار نشدند. ترکیب مختلط جمعیت این کشورها از ادیان وعقاید دیگر، تاثیر افکار و فرهنگ این ادیان و سنت های بومی مردم بر فرهنگ و اندیشه های اسلامی و نفوذ تمدن غربی در سده بیستم از عواملی بود که جریان اسلام گرایی را بسوی اعتدال برد. هرچند برخی از حلقه ها و گروه های کوچک افراطی و ستیزه جو در میان مسلمانان این جوامع بوجود آمدند که پایگاه اجتماعی شان بسیار ضعیف است.

هسته ی اولی نهضت اسلامی یا جریان اسلام گرایی مالیزیا در درون حزب ناسیونالیست و سکولار مالیزیا در سال ۱۹۴۰بنام حزب المسلمین شکل گرفت. سپس در سال ۱۹۵۱مجمع اسلامی سراسری مالایا بوجود آمد و قبل از استقلال و تشکیل کشور مالیزیا بزرگترین حزب اسلام گرا بنام "پاس"(PAS) یا حزب اسلامی سراسری مالیزیا(Malaysia Islamic Party) تاسیس یافت. این حزب که هرچند در تمام فعالیت های سیاسی و انتخاباتی مالیزیا نقش فعال ایفا کرد اما در درون حزب تمایلات افراط گرایی دینی نیز پدید آمد. علی رغم آن، حزب اسلامی مالیزیا(پاس) بزرگترین حزب سیاسی جریان اسلامی گرایی شناخته میشود که تفکر میانه روی در آن غلبه دارد.

اولین حزب سیاسی اسلامی در اندونیزیا به نام شراکت اسلام(سریکات اسلام)در سال ۱۹۱۲ شکل گرفت. این حزب برغم روحیه استعمار ستیزی خود دگرپذیر و مدارا جو بود و از اصلاحات سیاسی و اجتماعی حمایت میکرد. سپس این حزب در سال ۱۹۲۲عیسوی دچار انشعاب شد و گروه های دیگر اسلامی مانند: انجمن محمدیه، حزب فرهنگ اسلامی، حزب اسلامی اندونیزیا، جمعیت جوانان مسلمان و حزب روشنفکراسلامی و غیره تا نیمه دوم سده بیستم بوجود آمدند.

پس از استقلال اندونیزیا در نیمه دوم قرن بیستم و نخستین دهه سده بیست و یکم احزاب متعدد اسلامی بوجود آمدند. مانند: حزب ترقی متحد، حزب نهضت، حزب رفاه و عدالت، حزب جماعت اسلامی، حزب حامی و غیره. اما این احزاب در انتخابات نتوانستند به پیروزی های قاطع برسند و به اقتدار سیاسی دست یابند.

در میان این احزاب اسلامی حزب جماعت اسلامی از گروه های افراطی اسلامی در اندونیزیا است که در سال ۱۹۷۳عیسوی توسط عبدالله سونگ کار و ابوبکربشیر تأسیس شد. آنها که درسال۱۹۷۸توسط حکومت سوهارتو زندانی شده بودند پس از رهایی در سال۱۹۸۲ به کشور مالیزیا رفتند و در سال۱۹۹۳ سازمان بین المللی جماعت اسلامی اندونیزیا را ایجاد کردند. در سال ۱۹۹۹که سونگ کاروفات کرد رهبری جماعت اسلامی را ابوبکر بشیر بدوش گرفت و به اندونیزیا بازگشت. جماعت اسلامی برهبری او هرچند به شاخه های مختلف انشعاب کرد اما فکر تشکیل حکومت اسلامی در اندونیزیا و کشورهای جنوب شرق آسیا شامل جنوب تایلند، مالیزیا، برونئی، جنوب فلیپین و کمبودیا از راه خشونت و عملیات نظامی در میان بسیاری ا زافراد و حلقه های افراطی و تند رو جماعت مذکور گسترش یافت. بمگذاری در جزیره بالی اندونیزیا در۱۲اکتوبر ۲۰۰۲ یکی از عملیات جماعت اسلامی بود که جان ده ها گردشگران غربی را گرفت. جماعت اسلامی از سوی دولت اندونیزیا غیر قانونی اعلان شد و از سوی ایالات متحده امریکا شامل نام گروه های تروریستی گردید، اما این حزب در میان جوامع مسلمان جنوب شرق آسیا بصورت سازمان یافته و پیچیده عمل میکند.

معروف ترین گروه اسلامی در میان مسلمانان فلیپین جبهه آزادیبخش اسلامی مورو (F.I.L.M) است که در جهت تشکیل کشور مستقل برای مسلمانان این کشور با دولت فلیپین می جنگد.



۲- جنبش اسلام گرایی و حزب عدالت و توسعه در ترکیه :

جریان اسلامی گرایی ترکیه درفضای متفاوت از سایر کشورهای اسلامی و تحت حاکمیت نظام غیر دینی و سکولار به شکل مدرن انکشاف یافت؛ هر چند که احزاب اسلام گرا در ترکیه نتوانستند پیشوند و پسوند اسلامی داشته باشند. نکته جالب این است که احزاب اسلام گرای ترکیه (حزب رفاه و حزب عدالت و توسعه) بر خلاف احزاب اسلامی کشورهای مسلمان دیگر در سیستم سیاسی سکولار ترکیه از طریق انتخابات به قدرت سیاسی رسیدند: علی رغم آنکه آنها در کرسی اقتدار ملزم به اطاعت از ارزش های نظام سکولار کشور خود هستند.

نجم الدین اربکان(۲۰۱۱- ۱۹۲۶) که در مارچ ۲۰۱۱ عیسوی وفات یافت بنیانگذار نهضت اسلامی یا جریان اسلام گرایی ترکیه شمرده میشود. اربکان یک مهندس تحصیل یافته در غرب بود که در صدد ایجاد جامعه و دولت مدرن با حفظ ارزش های اسلامی شد. او اندیشه سیاسی و اقتصادی خود را که تلفیقی از اسلام گرایی و ملی گرایی بود در سال ۱۹۶۹ عیسوی به نام دیدگاه ملی(ملی گوروش)منتشر کرد. این دیدگاه در واقع اساسنامه جریان اسلام گرایی ترکیه شد که به یکسال حکومت حزب رفاه به رهبری وی در ۱۹۹۲و حاکمیت حزب عدالت و توسعه، حزبی برخاسته و ملهم از این جریان در سال ۲۰۰۲عیسوی تا اکنون(۲۰۱۲)انجامید.

اربکان در سال ۱۹۶۹ به عنوان نامزد مستقل از قونیه به پارلمان ترکیه راه یافت و حزب نظام ملی را تشکیل داد. اما حزب او از سوی دادگاه قانون اساسی منحل شد . سپس حزب سلامت ملی را تأسیس کرد که این حزب در انتخابات سال ۱۹۷۳ با۴۸ نماینده به مجلس ملی ترکیه راه یافت. اربکان از ۱۹۷۳تا ۱۹۷۷در حکومت های ائتلافی به ریاست بلند اجویت رهبر حزب جمهوری خلق و سلیمان دمیرل رهبر حزب عدالت به عنوان معاون نخست وزیر باقی ماند . او در ۶سپتمبر ۱۹۸۰ که دولت اسرائیل شهر بیت المقدس را پایتخت دایمی اسرائیل اعلان کرده بود تظاهرات وسیعی را در شهر قونیه به نام نجات بیت المقدس براه انداخت. در این تظاهرات دولت ترکیه و ارزش های سکولار نیز مورد انتقاد و حمله قرار گرفت. تظاهرات قونیه به کودتای ارتش ترکیه و دستگیری اربکان و انحلال حزب سلامت ملی انجامید. اربکان ده ماه در بندر ازمیر تحت نظر قرار گرفت و ده سال از فعالیت سیاسی منع شد. اما اعضای حزب سلامت ملی به تشکیل حزب رفاه پرداختند که سپس در سال ۱۹۸۷اربکان را پس از رفع ممنوعیت فعالیت سیاسی به رهبری حزب مذکور انتخاب کردند.

حزب رفاه به رهبری اربکان در انتخابات سال ۱۹۹۱به ۶۲ کرسی مجلس ملی ترکیه دست یافت و در ۱۹۹۶در ائتلاف با حزب راه راست به نخست وزیری رسید. او در رهبری حکومت به تحقق دیدگاه ملی خود پرداخت. روابط نزدیک با کشورهای اسلامی به خصوص ایران و لیبیا برقرارکرد. در صدد ایجاد بازار مشترک اسلامی متشکل از هشت کشور اسلامی در حال توسعه(D-8) (ترکیه، ایران، پاکستان، بنگله دیش، مالیزیا، اندونیزیا، مصر و نایجریا)بر آمد .

سیاست اربکان که ارتش ترکیه را به عنوان مدافع نظام سکولار اتاترک به شدت ناخشنود و نگران ساخته بود منجر به راندن او از قدرت سیاسی شد. دادگاه قانون اساسی حزب رفاه را منحل کرد و اربکان را پنج سال از فعالیت سیاسی محروم ساخت . تلاش اعضای حزب مذکور به رهبری محمد رجایی قوتان از یاران اربکان که حزب فضیلت را تشکیل دادند نا فرجام ماند. این حزب نیز از سوی دادگاه عالی غیر قانونی اعلان شد.

همفکران اربکان و در واقع اعضای حزب رفاه و فضیلت پس از آن در دو حزب عدالت و توسعه و حزب سعادت تقسیم شدند. عدالت و توسعه علی رغم پابندی به نظریات اسلام گرایانه ی اربکان به دیدگاه غرب ستیزی او پشت کرد و پس از دسترسی به قدرت سیاسی درسال ۲۰۰۲سیاست نزدیکی با غرب را در پیش گرفت . در حالی که حزب سعادت کماکان در خط اربکان باقی ماند و اعضای حزب اربکان را به رهبری انتخاب کردند.

حزب عدالت و توسعه از سال۲۰۰۲تا اکنون(۲۰۱۲)به تنهایی حکومت را در ترکیه بدست دارد. این حزب که در واقع از بطن دو حزب اسلام گرای رفاه و فضیلت تشکیل شد بیشتر از حزب رفاه به نظام سکولار ترکیه وفاداری نشان میدهد. پابندی حزب عدالت و توسعه به ارزش های نظام سکولار این پرسش را بوجود آورده است که آیا این حزب را میتوان جریانی مربوط به اسلام گرایی دانست؟ از سوی دیگر آیا حزب عدالت و توسعه ترکیه می تواند الگویی برای جریانهای اسلام گرایی کشورهای اسلامی شود؟

بازتاب سکولاریزم سیاسی در جریان اسلام گرایی ترکیه :

اسلام گرایی ترکیه در واقع تلفیقی از ناسیونالیزم ترکی و اسلام با مدرنیته غربی و یا با اندیشه ها و ارزش های بینش لیبرالیستی و سکولارغربی است. اسلام گرایی ترکیه که در هویت و وجود حزب حاکم عدالت و توسعه باز تاب دارد در واقع به همان جریان نوگرایی اسلامی تعلق می گیرد. حزب عدالت و توسعه در صدد پیوند زدن گذشته به امروز و آینده است. این حزب میخواهد با نگهداری هویت سکولار جدید اتا ترک، هویت پیشین و سنتی ترکیه را که در امپراتوری عثمانی با اسلام گره میخورد حفظ کند و با دنیای اسلام در اتکا به این هویت همگرایی داشته باشد.

حزب عدالت و توسعه به جای آنکه ساختار لائیک ترکیه را بر مبنای اهداف و اندیشه های حزب تغیر دهد در واقع حزب را با آن ساختار وفق داده است. هرچند که بعضی اعم از مخالفان این حزب به خصوص احزاب سکولار و لائیک و شماری از جریانهای اسلام گرایی دنیای اسلام حزب حاکم عدالت و توسعه را جریان اسلامی میدانند که از نردبان نظام سکولاریزم اتاترک بسوی تشکیل نظام اسلامی در حال صعود هستند. مخالفان سکولار ترکیه حزب عدالت و توسعه به خصوص رهبران آنرا متهم به دورنگی و پنهانکاری می کنند که در نهان خود را پابند نظام سکولاریستی ترکیه معرفی میدارند اما مخفیانه در صدد آن هستند تا بر بستر سکولاریزم دولت اسلامی تشکیل دهند و شریعت اسلامی را حاکم کنند.

حزب عدالت و توسعه بزرگترین حزب سیاسی در ترکیه است که بیش از سه ملیون عضو دارد، در حالی که اعضای تمام احزاب سیاسی در این کشور به پنج ملیون نفر میرسد. اگر حزب عدالت و توسعه مودل و الگوی احزاب میانه رو اسلامی جوامع و کشورهای مسلمان سنی باشد، بدون تردید آن احزاب و جریان های اسلامی با خاموشی و آرامی سکولاریزم سیاسی را می پذیرند. هرچند که چنین چیزی را به زبان نیاورند اما در عمل در این مسیر حرکت میکنند. حزب النهضه تونس و حزب آزادی و عدالت مصر که همان حزب اخوان المسلمین این کشور است سیاست عملی همسو با این تفکر را تعقیب میکنند.

معمای شبکهٔ ...

و اگر خواهان داشتن گروهی مستقل حتی در کنار طالبان می بود، می توانست این کار را به کمک انوارالحق در یک چهارچوب وسیع تر یعنی حزب اسلامی خالص انجام دهد. اما جلال الدین کسی بود که به انوارالحق مشوره داد تا از این کار که از آن بوی تفرقه به مشام می رسد، دست بردارد.

در میان فرماندهان نامدار طالبان تنها ملا داد الله تا حدی به مستقل الرای بودن مشهور بود. او تا زمانی که زنده بود، سخنگوی به نام ذبیح الله اتل داشت که گزارشات جبههٔ تحت فرمان ملا داد الله را به خبرگزاری ها می فرستاد. بعد از کشته شدن داد الله، این سخنگو نیز از صحنه غایب شد.

مولوی جلال الدین حقانی در سال ۲۰۰۳ مجروح شد. این حادثه زمانی اتفاق افتاد که در نتیجهٔ پرتاب یک موشک توسط یک طیارهٔ بی سرنشین بر یک خانه در وزیرستان، وی زیر آوار ماند و یک تیرآهن به روی سینه اش افتاد. هرچند او از این حمله جان سالم بدر برد اما به علت کبر سن، تا سال ها او از این درد رنج می برد. حتی چند بار خبر وفات وی نیز به گوش رسید و با توجه به اینکه سال هاست از وی تصویری دیده نشده، این احتمال وجود دارد که او دیگر در قید حیات نباشد.

در طول جنگ های یک دههٔ اخیر، از پسران مولوی حقانی. لااقل دو تن از آنان در جنگ کشته شده اند و اکنون فرماندهی طالبان را در بخش جنوب افغانستان، یکی از پسران او یعنی سراج الدین به عهده دارد. کسی که گفته می شود در خانوادهٔ حقانی بیش از همه از ابتکار در جنگ برخوردار است. سراج الدین اکنون فرمانده طالبان در جنوب افغانستان و عضو شورای مرکزی این گروه است.

در مورد رابطهٔ سراج الدین با القاعده و یا آی اس آی زیاد سخن گفته شده و به خصوص امریکائی ها تلاش دارند تا این جبهه را به عنوان یک گروه مستقل از طالبان که به عنوان شاخهٔ القاعده در افغانستان فعالیت می کند، معرفی کنند اما این خلاف حقیقت است. هرچند امریکائی ها اعتراف می کنند که تعداد افراد القاعده اکنون در افغانستان محدود است، اما باید گفت که حضور جنگجویان خارجی در اکثر نقاطی که طالبان دست به عملیات می زنند حتی در شمال افغانستان مشهود است. پس رابطه با القاعده را تنها منحصر به یک گروه از طالبان ساختن و بیشتر این گروه را مسؤول همه کارهای خطرناک و حملات مرگبار قلمداد کردن، ناشی از چیست؟ آیا امریکائی ها واقعا از وضع اطلاع ندارند و یا اینکه چنین موضع گیری و تبلیغات مطابق به برنامهٔ خاص از جانب خارجی ها صورت می گیرد و اهداف دیگری در آن مضمر است؟

خواست مهم امریکا از طالبان، قطع پیوند با القاعده است. اینکه در میان طالبان یک گروه فرضی، به ارتباط با القاعده متهم می شود، به وضوح به قصد ایجاد این ذهنیت صورت می گیرد که طالبان را می توان به «خوب» و «بد» تفکیک کرد. برای اینکه مذاکره با ملا محمد عمر به عنوان زیرپا نهادن شرط قطع رابطه با القاعده در مذاکره با طالبان از جانب امریکا تلقی نگردد، باید یک گروه بد و جدا از گروه اصلی طالبان به نام «شبکهٔ حقانی» وجود داشته باشد تا بتوان بار مسؤولیت کار های خراب از جمله رابطه با القاعده را به دوش این گروه نهاد و دیگران را از این اتهام برائت داد. به همین دلیل است که در حالی که طالبان منکر وجود گروهی به نام شبکهٔ حقانی در میان خویش اند، امریکا همچنان به وجود چنین شبکه ای تاکید دارد.



معمای حملات راکتی پاکستان به کنرها

اندیشمند

حملات توپخانه و راکت نیروهای مرزی پاکستان به مناطق مرزی ولایت کنر برای دومین سال تکرار می شود. صدها گلولهٔ توپ و موشک پاکستان در طول هفتهٔ اخیر بر ولسوالی های دانگام، اسمار و سرکانی کنر فرود آمد. سخنگوی والی کنر از شلیک ۸۵۰ گلوله سخن گفت که به جراحت چهار نفر و مهاجرت پنجصد خانواده از خانه های شان انجامید.

در اواخر بهار و اوایل تابستان سال گذشته نیزحملات مشابه از آنسوی مناطق مرزی بدرون نقاط مسکونی کنر انجام یافت که به مرگ و جراحات ده ها نفر غیرنظامی به شمول کودکان انجامید. جالب آن بود که در آخرین روزهای جوزای ۱۳۹۰ (۲۹جوزا-۱۹ جون) که صدها موشک و گلوله های توپ پاکستان قریه ها و خانه های مردم کنر را درهم می کوبید، رئیس جمهور کرزی از بهبود روابط پاکستان و افغانستان سخن گفت. در حالی که والی کنر و جنرال امین الله امرخیل فرماندهٔ نیروهای پولیس مرزی حوزهٔ شرق افغانستان آنرا تجاوز پاکستان بر افغانستان خواندند. امرخیل در سرطان پارسال استعفا داد که جامعهٔ جهانی، ناتو، پاکستان و همه از حملات راکتی برخاک افغانستان انکار می کنند. هرچند جنرال پولیس افغانستان از انکار مقامات دولت خود سخن نگفت، اما سکوت دراز مدت مقامات دولت به خصوص سکوت طولانی رئیس جمهور کرزی در گلوله باران پاکستانی ها بر کنر در واقع بیانگر انکار و کتمان دولت افغانستان بود. هر چند رئیس جمهور و مقامات دولت بعداً این سکوت را شکستند و در طول تابستان سال پار صدای التماس و اعتراض بلند داشتند، اما باری رئیس جمهور افغانستان انتشار گزارش رسانه ها را در مورد حملات موشکی و توپخانهٔ پاکستان شایعه سازی مطبوعات خواند که بر روابط دوکشور تأثیر منفی می گذارد. تکرار حملات موشکی و توپخانهٔ پاکستان در نواحی مرزی ولایت کنر طی دو سال متوالی و مواضع متفاوت و حتا متناقض دولت و جامعهٔ مدنی افغانستان در این رابطه حکایت از معمای پیچیده ای دارد. اما معمای بغرنج تر از آن وقوع این حملات در شرایط حضور نظامی ایالات متحدهٔ امریکا و ناتو در جهت حمایت از دولت افغانستان است. این واقعاً معمای شگفت آوری است که پاکستان در حالی خاک افغانستان را گلوله باران می کند که ده ها هزار نیروی نظامی امریکا و اروپا در کشورما وجود دارد. فضای افغانستان در نظارت و تسلط کامل آن نیروها است. هرگونه رفت و آمد گلوله و پرواز هواپیما از آسمان افغانستان تحت نظر و کنترول امریکایی ها و ناتو قرار دارد. حتا در مناطق معینی از ولایت کنر نیروهای امریکایی و ناتو مستقر هستند. اما چرا گلوله های موشک و توپ پاکستان از برابر چشمان امریکا و ناتو می گذرند و بر سر قریه ها، خانه ها و مردم کنر فرود می آیند؟

معمای پیچیده تر از آن سکوت دولت افغانستان بر سکوت و بی تفاوتی نیروهای ناتو و امریکا و اهداف پاکستان از این حملات است. سخنگوی وزارت خارجه افغانستان در آخرین واکنش دولت (اول جولای ۲۰۱۲) گفت، اگر حملات راکتی پاکستان قطع نشود به شورای امنیت ملل متحد شکایت می کنیم. اما این سخنگو نگفت که آیا از سکوت و بی اعتنایی نیروهای امریکایی و ناتو هم در برابر حملات پاکستان به شورای امنیت ملل متحد شکایت می برد یا نی؟ مگر این سخنگوی وزارت خارجه کشور ما نمی داند که بسیاری از این کشور های عضو شورای امنیت ملل متحد در افغانستان نیروی نظامی دارند؛ نیروهایی که کم از کم آسمان افغانستان در کنترول و نظارت آنها قرار دارد.

واقعیت این است که در این معما هیچ کسی و هیچ طرفی به هیچ طرف دیگر راست نمی گوید. در این معما همه طرف ها چشمان خود را به حقیقت می بندند و همه با هم دروغ می گویند. جامعهٔ مدنی، نخبگان، روشنفکران، تحلیلگران و سیاستمداران افغانستان که حتا با دولت افغانستان سر رقابت و مخالفت دارند نیز گپ راست و حسابی در مورد این معما و حل آن ارائه نمی کنند. وقتی هفتهٔ پیش تحلیل یکی از تحلیلگران سیاسی و نظامی را در تلویزیون طلوع شنیدم که می گفت، پاکستان برای انتقال و جابجایی مخالفان مسلح افغانستان مناطق مرزی کنر را آتش باران می کند، به این پرسش پاسخی نیافتم که به قول ایشان مخالفان مسلح افغانستان چگونه بدون آتش نیروهای پاکستانی وارد سایر ولایات و مناطق افغانستان می شوند و دست به عملیات نظامی می زنند؟ آن دسته های جنگجو و انتحاری در نبود آتش نیروهای پاکستانی چگونه به درون پایتخت نفوذ می کنند و در کنار ارگ ریاست جمهوری می جنگند و منفجر می شوند؟ اگر آتش باری نیروهای پاکستانی بر مناطق مسکونی کنرها در جهت جابجایی مخالفان مسلح دولت افغانستان یا همان جنگجویان طالب و القاعده باشد، آن جنگجویان بدون آتش نیروهای پاکستانی چگونه خود را به سایر مناطق و شهرهای افغانستان می رسانند؟

در حالی که همه کس و همه طرف ها در افغانستان از دولت و نهادهای دولتی تا نهاد های مدنی و غیر دولتی و حتا امریکایی ها و ناتو هر ازگاهی ، عملیات و جنگ مخالفان مسلح دولت افغانستان یا طالبان را ناشی از دخالت و حمایت پاکستان تلقی می کنند. اما هیچ کسی و هیچ طرفی به شمول پاکستان به صورت شفاف و صریح راز این دخالت و این جنگ را نمی گشایند تا گره این معما باز شود. تا زمانی که به این پرسش پاسخ راست، روشن و عملی ارائه نشود، معمای دخالت و جنگ پاکستان در افغانستان حل نمی شود:

خواست و مطالبهٔ پاکستان از افغانستان و بالعکس مطالبهٔ افغانستان از پاکستان چیست؟

سایهٔ سنگین سیاست و ...

با وجود منابع زیر زمینی، در حال حاضر شهروندان کشورگاز و مواد نفتی مورد نیاز خود را از کشورهای آسیای میانه و به ویژه جمهوری اسلامی ایران تأمین می کند.

استخراج نفت در ولایت های شمالی کشور از اهمیت سیاسی و اقتصادی برخوردار است. نقش اقتصادی نفت در حال حاضر برای مردم پر اهمیت می نماید. زیرا با استخراخ نفت مردم افغانستان از این ناحیه تا اندازهٔ به مرحلهٔ خود کفایی رسیده دیگر نیازی نمی دانند در درازمدت از کشورهای که در حال حاضر نفت و مواد سوخت توريد می کنند دست به این کار بزنند. در این شکی نیست که با استخراج نفت، سکتور اقتصادی افغانستان توسعه یافته و درآمد سالانه ملی آنگونه که وزارت معادن گفته است افزایش می یابد.

از سوی دیگر برای تعداد زیادی از هموطنان ما زمینه های کار و شغل ایجاد می شود که با این کار مردم افغانستان مصروف می شوند و حد اقل جلو مهاجرت ها به منظور کار به کشورهای بیرونی گرفته می شود.

در همین خال برخی از دغدغه ها و پرسش های دیگر نیز وجود دارد که با آغاز کار در سکتور نفت شمال مردم از حق طبیعی شان در آن حوزه محروم می شوند. مردم در حوزهٔ آمو می گویند که حکومت باید در استخراج نفت شمال از نیروی کار محلی استفاده نماید. چندی پیش حکومت افغانستان جنرال دوستم را متهم کرد که با دامن زدن برخی از مسایل مانعی بهره برداری نفت در حوزهٔ آمو می گردد. اما جنرال دوستم و حامیان او در شمال گفته اند که ما مخالف هیچ طرح ملی در کشور نیستیم، اما مخالف انحصار و تبعیض می باشیم. آنان هوشدار داده اند در صورتی که برای مردم حق کار و حق طبیعی شان در پروسهٔ استخراج نفت در شمال داده نشود، ممانعت ایجاد می کنند.

در همین حال دولت افغانستان گفته است که برخی از کشور های همسایه از جمله ازبیکستان با ایجاد موانع در امر استخراج نفت در حوزهٔ آمو به مخالفت برخاسته است. به گفتهٔ جواد عمر سخنگوی وزارت معادن برخی از کشورهای همسایه همواره تلاش دارند، تا این روند آغاز شده را به چالش بکشند.

از لحاظ سیاسی استخراج نفت در افغانستان بُعد ملی و بین المللی به خود می گیرد. در بُعد ملی جریان های سیاسی که عمدتاً منشأ قومی دارند، بیم دارند که حکومت افغانستان در صدد است به بهانهٔ استخراج نفت، سرمایه های ملی را در خدمت سیاست قرار دهند و از این طریق حقوق دیگران را به انحصار بگیرند. جریان جبههٔ ملی که آقایان جنرال دوستم و محقق از اعضای برجستهٔ آن اند، رفتار حکومت مرکزی را در امر استخراج سرمایه های زیر زمینی کشور سیاسی می خوانند.

برخی از تحلیل گران می گویند، دولت افغانستان رویکرد استخراج منابع طبیعی را با سیاست در می آمیزد. این تحلیلگران می گویند، در گذشته سرمایه هایی ملی در پناه حمایت های حکومت به بخش خصوصی به اقارب نزدیک رئیس جمهور واگذار گردید که نمونه های ان فابریکه هایی سمنت چاریکار و قند بغلان می باشد. این بار نیز این نگرانی در میان مردم عام وجود دارد که این سیاست در بخش صنعت نفت، مس، آهن و طلا نیز دنبال می گردد.

اما از سوی دیگر حضور کشورهای خارجی در امر استخراج نفت و دیگر منابع زیر زمینی جایگاه سیاسی افغانستان در منطقه بلند می سازد. تلاش ها برای استخراج نفت در حالی شروع شده است کشورهای غربی از همین حالا حضور سیاسی و نظامی خود را آهسته آهسته کم می سازند و این روند پس از سال ۲۰۱۴ به مرحلهٔ حساس و اقل نزدیک می شود. آن وقت است که افغانستان باید با بهره برداری از منابع داخلی خود بتواند، سر پای خود ایستاد شود. اما بیم و نگرانی های زیادی نیز وجود دارد که در نبود یک حکومت شفاف و حسابده نکند که آنگونه که کمک های خارجی به یغما رفت و منابع زیر زمینی نیز به یغما برود؟

قانون اساسی افغانستان تمام منابع طبیعی را سرمایه های ملی می خواند، اما در بسیاری مناطق کشور این منابع که سرمایهٔ ملی است، قاچاق و به جیب تعدادی که از زورمندان راه می یابد و دولت هم در جلوگیری آن یا عاجز است و یا حلقات نزدیک به دولت در این خلاف کاری ها شریک اند.

افزایش خرافات در میان جوانان نگران کننده است

رفیع الله امیری/محصل سال چهارم دانشکدهٔ ژورنالیزم کابل

آنچه که مردم افغانستان را از گذشته ها بدینسو نسبت به شهروندان دیگر کشور ها متمایز می سازد، حفظ ارزش های اسلامی، اصالت سنن و عنعنات پسندیده، ساده منشی، شجاعت، عیاری، دستیاری به مستمندان و... منحصر به خود شان می باشد که همواره در درازنای تاریخ از چنین صفات عالیهٔ ایشان به نیکویی یاد شده که مایهٔ فخر و مباهات برای باشندگان این سرزمین محسوب می گردد.

از یک دهه بدینسو با روی کار آمدن حکومت مؤقت، انتقالی و انتخابی در افغانستان که در تبانی با جامعهٔ جهانی شکل گرفته است؛ بدون شک در همه عرصه های زندگی شهروندان افغان رشد و پیشرفت های قابل ملاحظه ی رونما گردیده و مهمتر از همه که در دسترخوان این مردم دست کم تغییرات مثبت به وجود آمد است و این روند رشد و تعالی با توجه به یک سلسله مشکلاتی که کماکان موجود است در قسمت اعظم این کشور ادامه دارد.

از یاد نبریم که این رشد و پیشرفت ها در قبال خود تبعات بدی فرهنگی و اجتماعی را هم به همراه داشته که قرار است آرام آرام فرهنگ غنی و پربار و داشته های اصیل اجتماعی مان با یک سلسله عملکردها و گرایش های نا آگاهانهٔ یک مشت افراد به فراموشی سپرده شود و هویت ملی مان را به چالش بکشاند و در عوض فرهنگ های بیگانه جاگزین آن گردد.

گرچه فرهنگ بیگانه پروری در بیشترینه امور زندگی برخی مردم مان عجین گردیده که مود و فیشن غیر اخلاقی را در میان شهروندان کشور به ویژه جوانان، می توان یادآور شد.

از چند سال بدینسو به نظر می رسد که تعدادی از جوانان و نوجوانان کشور، بیشترینه پسران با تقلید های منفی از خارجی ها دست به ویرایش و پیرایش های غلیظ و وحشتناک ظاهری بدن شان می زنند که نه در ارزش های اخلاقی، نه فرهنگ افغانی و نه در عقاید اسلامی ما جا دارد. این مود، فیشن و استایل های وارد شده از بیرون که حالا جوانان مان از آن استفاده می نمایند پسران شامل: دراز گذاشتن و یا برپر کردن موها، گذاشتن ریش های متفاوت، پوشیدن گردن بند، دست بند، گوشواره، انگشتری های مختلف و لباس های مشابه زنان و نیمه برهنه، قیافه کردن (اکت کردن) ها همانند هنرپیشه های سینما ها و آواز خوانان و ... می باشد. به همین ترتیب دخترخانم های کشور نیز تلاش دارند تا از پسران مودپرست دور نمانده، با تقلید از دختر خانم های خارجی به کوتاه نمودن و یا رنگ نمودن موها، پوشیدن لباس های تنگ و نیمه برهنه و لباس های مردانه و... مبادرت می ورزند. که چنین جوانان با توسل به خرافاتی، از درس و تعلیم به دورمانده، دچار مشکلات گونه گون می گردند که اکثراً مشکل آفرین برای خود و فامیل و جامعه می گردند.

این وضعیت درحالی در میان جوانان اوج گرفته که آنها در ضمن اینکه رسوم و عادات پسندیدهٔ کشور شان را زیرپا می کنند، از حدود دین و شرع نیز تجاوز می کنند. پیامبر (ص) ارشاد فرموده اند: «خدا لعنت کند مردانی را که خود را شبیه زنان می کنند و خدا لعنت کند زنانی را که خود را شبیه مردان در می آورند.»

یکی از عوامل عمده این چنین اعمال و حرکات ناپسند شهروندان افغان، ورود کالا ها، سامان و وسایل آرایشی از کشور های بیرونی به داخل افغانستان و همچنان پخش و نشر درامه ها و فلم های مبتذل خارجی از طریق رسانه های دیداری و شنیداری خصوصی در کشور می باشد. هرگاه جلو همچو اعمال و حرکات چنین اشخاص گمراه گرفته نشود و فضا برای آنها به همین منوال باز گذاشته شود، بعید نخواهد بود که جامعهٔ ما پس از چندی، ازین طریق دچار فاجعه جدید و فقدان فرهنگ افغانی خواهد شد که جلوگیری از آن به سادگی امکان پذیر نخواهد بود. بر دولت است تا با درنظرداشت حفظ ارزش ها و عنعنات پسندیدهٔ کشور و مردم، جلو این گونه ناروایی های را بگیرد. به امید روزی که کشورمان از همه زشتی ها به دور بماند و جایش را اخلاق و اعمال نکوی انسانی و اسلامی توأم با خلاقیت و پشت کار و خدمتگزاری به وطن فرا گیرد.

هفتهٔ نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش
هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشـــه هـــای مقـــالات غیـــر از ســـرمقاله لزومـــاً مبـــین آرا ومواضـــع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال یازدهم – شمارهٔ (۱۵) ۱۷سرطان ۱۳۹۱ ۱۷ شعبان المعظم ۱۴۳۳ – 7 July 2012

سایهٔ سنگین سیاست و تبعیض در استخراج نفت شمال

نخستین عملیات استخراج نفت در افغانستان طی مراسمی ویژه، دو هفته پیش از سوی شرکت ملی نفت چین در شمال کشور آغاز شد. این مراسم که با حضور مارشال فهیم، معاون اول رئیس جمهور، وزیران داخله، معادن، مالیه، والیان جوزجان، سرپل، بلخ، جوزجان، فاریاب و سفیر چین در افغانستان در حوزه نفتی آمو در ولایت سرپل برگزار گردیده بود، جواد عمر، سخنگوی وزارت معادن افغانستان گفته بود، بر پایهٔ پیمان امضاء شده با شرکت ملی نفت چین، قرار است طی شش ماه آینده ۱۵۰ هزار بشکه از این حوزه استخراج گردد و یک سال پس از آن به ۳۰۰ هزار بشکه در سال افزایش یابد.

به گفتهٔ آقای عمر، مطابق با این قرارداد شرکت ملی نفت چین می‌تواند از مناطق قشقری، بازارکمی و زمردسای که در حوزه نفتی امو قرار دارند، نفت استخراج کند. در همین حال شرکت ملی نفت چین با ایجاد یک پالایشگاه تصفیه خانه نفت در داخل



کشور ۷۰درصد از درآمد به دست آمده از استخراج نفت حوزهٔ آمور را به جانب افغانستان خواهد سپرد.

این در حالیست که قبلاً گفته شده بود تمام مواد خام را جهت تصفیه سازی

نذرالله عنایت

به پالایشگاه های خارج از افغانستان می فرستند.

بر اساس براورد و بررسی های که صورت گرفته است ذخایر نفت این حوزه که در ولایت‌های فاریاب و سرپل قرار دارد بیش از ۸۰ میلیون بشکه می باشد. قرار است طی ۲۰ سال آینده، روزانه ۱۱ هزار بشکه نفت از این حوزه استخراج شود. سخنگوی وزارت معادن و صنایع گفته است، آن ها امیدوار اند، سالانه ۴۰۰ میلیون دالر از استخراج نفت حوزه آمو درآمد داشته باشند.

منابع مختلف داخلی و بین‌المللی از وجود ذخایر غنی گاز و نفت درکشور سال ها پیش خبر داده‌اند، اما افغانستان تاکنون تنها به شکل محدود توانسته است از بخشی منابع گاز، آن هم به شکل غیر استندرد در شمال بهره برداری کند.

ص۷

د پاکستان سیاسي وضع او په کونړ د توغندیو بریدونه

شفیق

ګاونډي هیواد پاکستان یوځل بیاتیره اونۍ دکنړ ولایت په ناړۍ ولسوالۍ باندي دتوغندیوبریدونه پیل کړي دي؛ اوهم دنورستان په ولایت کې دکامدیش په ولسوالۍ باندي یوځل بیا څه دپاسه دریو سووتنو پاکستاني طالبانو لخوا د حملي تیارۍ لیدل شوي دي.

د کنړولایت په ګڼو سرحدي ولسوالیو باندي د ګاونډي پاکستان لخوا حملي نږدي یو کال وړاندي هم ترسره شوي دي چي هغه مهال د زروپه شاوخواکې له پولي هاغاړي سیموڅخه دافغانستان خاوري ته توغندي راتوغول شوي وو او په څلورو سرحدي ولسوالیوکې د سلوڅخه زیاتو افغانانوته مرګ ژوبله اړولي وه.

اوڅه موده وړاندي دنورستان په ولایت باندي د پاکستاني طالبانولخوا دا ډول بریدونه ترسره شوي وچي په لړکي یې ځنې سرحدي سیمي نیول شوي وي او بیا بیرته دافغانستان پوځونو راوګرځولي او پاکستاني طالبان یي له هغو ځایونو څخه په شاتمبولي وو.

د پاکستان لخوا دا ډول بریدونه او یا بریدونوته تیارۍ پداسي وخت کي نیول کیږي چي د پاکستان سیاسي وضعه د دغه هیوادپه تاریخ کي له ټولو سخت حالت سره خ ده ځکه له یوي خوا د بلوچستان په ایالت کي د پاکستان د مرکزي حکومت څخه د بیلتون خوښو هڅي کړندی شوي دي چي په نتیجه کي یي څه موده وړاندي د آمریکا ځینوسناتورانو د دغه هیواد څخه د بلوچستان ایالت د جلاکولو او خپلواکي سیمي ګرځولو طرح وړاندي کړي وه چي له امله یې له یوي اوږدي مودي راهیسي د امریکا اوپاکستان په سیاسي اړیکوکي دخرابوالي په لاملونوکي یولامل داهم وو.

همدارنګه په دغه هیواد کې د واکمن ګوند صدراعظم سید یوسف رضا ګیلاني دوه اونۍ وړاندي ددغه هیواد دستري محکمي لخوا د آصف علی زرداري په مالي خیانتونو ولاړ و د هغو د وسیوچی لامل یې دسویس په بانکونوکي له خپل هیواد څخه دګڼو مبالغوپه نقل ګولو تورن کیدل وو؛ د نه تعقیبولو په سزا نااهل وګرځول شو او په نتیجه کي د خلکوعوا مي ګونداو د هغو ایتلافیانو راجه پرویز اشرف په دري سوه نهه څلویښت څوکیو لرونکي ولسي جرګه کي د دوه سوه دیارلسو رایو په وړلوسره بل صدراعظم وټاکه خو ورسره سم د دغه هیواد دستري محکمي له نوموړي څخه هم د جولاي دمیاشت د دولسمي نیټي پوري ددغو دوسیو د څیړلوپاره دسویس حکومت له مقاماتوسره د اړیکي نیولوغوښتنه کړي ده اودستري محکمي لخوا دغه رازوړنده توره یي اوس د راجه پرویز اشرف په سر دروليي ده. داپه داسي حالل کي ده چي ددغه هیواد د پنجاب ایالت هایي کورټ (داستناف محکمه) هم داصف علی زرداري دوسیه د بحث لاندي نیولي ده او نوموړي ته یې داګست دمیاشتي دویمي نیټي پوري داسي حکم کړي دی چي یادي دپاکستان د ولسمشرۍ له څوکۍ څخه لاس په سرشي او یادي هم د خلکو دعوامي ګوندمشرتابه توب څخه لاس واخلي چي له مخي یې نوموړی او د بې نظیربوټو د خوی بلاول زرداري په ګډه مشرتابه دي چي په دی دواړوکي یوه لپاره غوره کول هم دآصف علی زرداري لپاره یوسترګواښ دی ځکه که ولسمشري پریږدي نود جرایمود دوسیو څیړل یې (چي د ولسمشرۍ پرښیاد لرلی مصؤنیت (خوندیتوب) څنډولی دی) آسانه کیږي اوزندان ته یې د تلوویره ده اوکه دګوندمشرتابه پریږدي نو داهم اسانه کارنه دی ځکه چي واك یې څومیاشتي پاني دی او دڅو میاشتو واك ساتلو لپاره د خلکو دعوامي ګوندپه حیث سترګوندمشري پریښودل هم اسانه خبره نه ده نو هغه د

چاخبره اوس زرداري هم د ډانګ اوهم د پړانګ ترمنځه قرارلري چي په مقابل کي مخالف ګوندونه راتلونکونږدي ټاکنوته په سیاسي لحاظ پیاوړي ښکاري.

پخوا به پاکستان کی دسیاسي قیادت اوملي حکومت دپوځ سره پټ پټوني لوبه وه اوس دغه لوبي ته ددغه هیواد دقضائیه قوي هم را دانګلي دي اود پاکستان له ملي حکومت څخه یې دامریکاپلوي پالیسورول لوبوي؛ وارپارخطاکړی دي چي په ټوله کي ددغه هیواد د امنیتي او سیاسي وضع له ګواښ سره مخ کوی خوددي سره سره هم ګاونډي هیواد پاکستان د افغانستان په ناامنه ساتلوکی خپلې هڅي نوري هم ګړندي کړي دي اودهغي څرګندثبوت وکنړ په ناړۍ ولسوالی باندي د توغندیو د بریدونو اغازول اوهم د ځینو رسنیو په خوله د نورستان په کامدیش ولسوالۍ کي د پرپیړوك او بینورپه کلیوباندي د وسله والو پاکستاني طالبانو برید دی چي په نتیجه کي یې تیره شپه هم سل کسان پاکستاني بریدګر وژل شوي او دیوي نوي حملي لپاره د څه د پاسه دري سوو طالبانو دتیارۍ نښي نښاني لیدل کیږي.

د پاکستان دغه اوسني بریدونه په داسي وخت کي رامنځ ته کیږي چي په دي نږدي ورځوکي د پاکستان حکومت هم د افغانستان د پولي څخه د باجوړ سیمي ته د طالبانو د وراوختلو ادعاکړي وه او افغانستان یې په دي تورن کړی وو چي دغه اورپکي د افغانستان له خاوري څخه ورغلي دي.

ددغو دواړو ګاونډیو هیوادونو پریو بل دا ډول تورونه اوسنی نه دي اوله ډیري مودي راهیسي تبادله کیږي اوهریوله بل څخه سرټکوي او هریو دا دعوه هم کوي چي په دي بریدونوکی لاس نه لري نواوس پوښتنه داده چي دسیمي دي دواړوګاونډیو هیوادونو په پولوکي کوم پیریان شتون لري چي دواړوګاونډیو هیوادونو د اړیکو د خرابوالي لامل ګرځي؟ دا هغه موضوع ده چي دسپینوالي لپاره د دواړو هیوادونو ریښتوني نظارت او صداقت ته اړتیا ده څو معلوم کړي چي دا پیریان څوك دي اوڅوك یې سمبالوي.

در عصر حاضر، مردم به برنامه رأی می دهند!

ث – ثامر

در جوامع و کشورهایی که نظام مردم سالاری حاکم است، مردم اند که سرنوشت کشورشان را رقم می زنند و در قضایای مهم کشوری تصمیم می گیرند. مردم اند که با تشخیص و دقت، رئیس دولت، اعضای پارلمان و اعضای شوراهای ولایتی و محلات را مهر تأیید و به خاطر خدمتگزاری مردم می گمارند. مردم اند که در برابر نابرابری ها صدای اعتراض بلند می نمایند، راهپیمایی می کنند، به تحصن دست می یازند، تا فشاری باشد بر حاکمانی که به امور کشور، خلاف ارادهٔ مردم و قوانین نافذه عمل می نمایند.

در سال های اخیر، خیزش های مردمی در خاورمیانه به حدی اوج گرفت که زعامت های حاکم چهل ساله را از تخت حاکمیت به زیر انداخت. برخی از این حاکمان فجیعانه کشته و برخی دیگر محبوس و فراری شدند.

خیزش های مردمی (بهار عربی) به حاکمان یکه تاز در برخی کشورهای جهان هشدار داد که دیگر بیش از این نمی توانند بالای گرده های مردم سوار و بهره گیرند. دیگر نمی توانند با عبور از بالای کشته های چون پشته و با قتل عام تعدادی از مردم به حاکمیت برسند.

دیگر نمی توانند با کودتا و زورگیری بر مردم حاکمیت نمایند و دیگر آن کبوتر بخت هم وجود ندارد که در میان جمعی به پرواز آید و بالای شانه و سر هرکی نشست، یکه تازانه کشور و مردم را مطابق میل رهبری نماید!

در عصر حاضر به خصوص با پیشرفت تکنالوژی، اکثر باشندگان کشورها از رویدادها و آنچه در جهان می گذرد آگاهی دارند و در قضاوت می نشینند. مردم بیشتر از پیش بیدار شده اند.

در کشورهای که تعیین و انتخاب حاکمان و پارلمان آن به آرای مردم تعلق می گیرد، مردمانی که می خواهند خود و کشورشان ترقی نمایند، از احتیاج و محتاجی نجات یابند، در امنیت، رفاه و آرامش بسر برند، از استقلالیت کامل برخوردار باشند، در انتخاب زعامت کشورشان می اندیشند، و به کار و برنامه رأی می دهند.

اما در کشورهایی که بدون در نظرداشت برنامهٔ خوب، به افراد، قوم و تبار، منطقه، نژاد و پول رأی دهند، به یقین، کشور و مردمان آن جامعه به سوی عقب مانی های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی سوق داده می شود که صدمهٔ کلان آن متوجه شهروندان کشور خواهد بود.

آگهی

دفتر هفته نامهٔ مجاهد از دهمزنگ به سرک دوم تایمنی سابقه، دست راست، خانهٔ شماره چهارم نقل مکان نموده است. دوستان مطلع باشند. «اداره»